



## خیزش مردم ترکیه و سراشیب اسلام "میانه"

صفحه ۶

### اعتراضات مردمی در ترکیه، آغاز فروپاشی الگوی اسلام میانه رو!

صفحه ۵

محسن ابراهیمی

## شرکت ما در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار

صفحه ۷

شهلا دانشفر

## سکولاریسم حق من است و آزادی فرهنگ من

صفحه ۱۱

مریم نمازی

## در باره شورش جوانان در سوئد

اگر صحبت بر سر به آتش کشیدن چیزی در میان باشد،  
این به آتش کشیدن امید و آرزوهای جوانان است.  
چه کسی مسئول آن است؟

صفحه ۶

مصاحبه با حسن صالحی



حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran

## انترناسیونال

# ۵۰۸

جمعه ۱۷ خرداد ۱۳۹۲، ۷ ژوئن ۲۰۱۳ - ۱۶ صفحه

## اطلاعیه پایانی چهلمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری

قطعنامه درباره  
تقویت و متعین کردن صف انقلاب

پیام پلنوم چهلم  
کمیته مرکزی حزب به مردم ترکیه

قرار مصوب  
پلنوم چهلم کمیته مرکزی  
حزب کمونیست کارگری ایران

## فعالیت‌های کمیته همبستگی بین المللی کارگری در استرالیا

مصاحبه با ارسلان ناظری

## "انتخابات" و آن هراس دائمی

صفحه ۱۲

بهروز مهرآبادی

## اطلاعیه پایانی چهلین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری



پلنوم چهلیم کمیته مرکزی حزب در روزهای ۱ و ۲ ژوئن ۲۰۱۳ (۱۱ و ۱۲ خرداد ۱۳۹۲) با شرکت اکثریت اعضای کمیته مرکزی تعدادی از مشاورین کمیته مرکزی و کادرهای حزب برگزار شد. پلنوم با پخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت در گرامیداشت یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم، به یاد رفیق عزیز جانباخته عطا محمدنژاد و به یاد عزیز منصور حکمت شروع شد و در طی دو روز مباحث فشرده با موفقیت به کار خود پایان داد.

حمید تقوائی در سخنرانی افتتاحیه خود به وضعیت سیاسی متحول و ناپایدار در ایران و ضرورت مقابله حزب با کل نیروهای کمپ راست و تمهیدات و سیاستهای دولتهای غربی و دول منطقه در قبال تحولات ایران پرداخت. او با بررسی تجربه انقلابات منطقه بر ضرورت تدارک و ایجاد پیش شرط های سیاسی و اجتماعی برای تجهیز و تقویت صف انقلاب در برابر جمهوری اسلامی و کل نیروهای راست تاکید نمود و گفت حزب باید به این منظور شیوه ها و راهکارهای عملی معینی را در دستور کار خود قرار بدهد.

بدنبال سخنرانی حمید تقوائی و تصویب آئین نامه، دستور پلنوم به این شرح تصویب شد: گزارش رئیس دفتر سیاسی و رئیس هیئت اجرایی حزب و بحث حول گزارشات، اولویت های رهبری حزب در شش ماه آینده، قطعنامه درمورد تقویت و متعین کردن صف انقلاب، بررسی قرارداتی که به پلنوم ارائه شده بود و مبحث انتخاب دبیر کمیته مرکزی و اعضای دفتر سیاسی.

مصطفی صابر، رئیس دفتر سیاسی در گزارش خود بر ضرورت معرفی شدن رهبری حزب برای بخش های هرچه وسیعتری از جامعه تاکید کرد که قبل از هرچیز به تلاش بیشتر خود این رهبری در اتخاذ یک سبک کار اجتماعی و پیشروی در جهت دخالتگری وسیعتر در قبال مسائل سیاسی و اجتماعی ایران گره خورده است.

اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب گزارش فشرده ای از عملکرد ارگانها و کمیته های حزبی، کمپین ها، کانال جدید، نشریات و فعالیت های بین المللی و همینطور گزارش مالی حزب ارائه داد، ضعف ها و موانع پیشروی

حزب را مورد بررسی قرار داد و مشخصا به چند قلم از اولویت های تعیین شده در پلنوم قبل که مانند ۲۴ ساعته شدن کانال جدید عملی شد و یا قدم های اولیه ای که در زمینه مدرنیسم و استفاده موثرتر از مدیای اجتماعی و همینطور جنبش رهایی زن برداشته شد، اشاره کرد. او همچنین از تعدادی از کادرهای حزب که بخش مهمی از فعالیت های روزمره حزب در عرصه های مختلف را بدوش دارند از طرف هیئت اجرایی حزب قدردانی کرد و دسته گلی تقدیم فریده آرمان کرد که همچنان الگوی دلسوزی، پرکاری و راندمان بالایی از فعالیت حزبی بوده است.

بدنبال ارائه گزارشات، اعضای کمیته مرکزی و همینطور مشاورین و کادرهای حاضر در پلنوم به بحث و اظهار نظر حول آن پرداختند و جوانب مختلف فعالیت حزب را بطور مفصل مورد بحث و بررسی قرار دادند و درمورد عرصه های متنوع فعالیت حزب در ایران و در سطح بین المللی اظهار نظر کردند

و پیشنهادات خود را به پلنوم ارائه دادند.

در ادامه گزارشات، حمید تقوائی در معرفی اولویت های شش ماه آتی صحبت کرد و حاضرین در پلنوم نکات اصلاحی و تکمیلی خود را مطرح کردند.

دستور بعدی بحث حول قطعنامه درباره تقویت و متعین کردن صف انقلاب بود. بحث حمید تقوائی در معرفی این قطعنامه به توضیح سیاستها و تمهیدات نیروهای راست در قبال تحولات سیاسی در ایران، اهمیت و ثقل جنبش کارگری در تقابل با این نیروها و در تقویت صف انقلاب، ضرورت شکل دهی به نهادها، چهره ها، کمپینها و جنبشهای اعتراضی در یک مقیاس اجتماعی، و نقش و جایگاه حزب بعنوان یک پدیده سیاسی موثر و دخیل در تحولات اختصاص داشت. پلنوم بعد از بحث و تبادل نظر در مورد بندهای مختلف قطعنامه و اصلاحیه های پیشنهادی به اتفاق آرا قطعنامه را به تصویب رساند.

در مبحث قرارها یک قرار در

پلنوم به تصویب رسید و بررسی و تکمیل قرار دیگری به دفتر سیاسی سپرده شد. متن اسناد مصوب پلنوم جداگانه منتشر خواهد شد.

در جوار پلنوم همچنین سه سمینار تحت عناوین جنبش کارگری، تکنولوژی و مدیای اجتماعی و سازماندهی در ایران به ترتیب توسط شهلا دانشفر، رضا مرادی و محمد آسنگران برگزار شد.

در مبحث انتخابات حمید تقوائی به اتفاق آرا بعنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب شد. همچنین ۲۱ نفر به عضویت دفتر سیاسی حزب انتخاب شدند. که به ترتیب عبارتند از: کیان آذر، فریده آرمان، محمد آسنگران، محسن

ابراهیمی، مینا احدی، عبه اسدی، سیامک بهاری، سیما بهاری، فاتح بهرامی، کیوان جاوید، شهلا دانشفر، بهرام سروش، عصام شکری، مصطفی صابر، حسن صالحی، جمیل فرزنان، اصغر کریمی، خلیل کیوان، شیوا محبوبی، مریم نمازی و کاظم نیکخواه. پلنوم با سخنرانی اختتامیه حمید تقوائی پایان رسید.

در نشست کوتاه دفتر سیاسی که پس از پلنوم برگزار شد کاظم نیکخواه به اتفاق آرا به عنوان رئیس دفتر سیاسی انتخاب شد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۶ ژوئن ۲۰۱۳، ۱۶ خرداد ۱۳۹۲



# مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## قطعنامه درباره تقویت و متعین کردن صف انقلاب

### مصوب پلنوم چهارم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران باتفاق آرا

۱- جمهوری اسلامی با يك بحران همه جانبه، فلج و بن بست اقتصادی، استیصال سیاسی، حاد شدن بیسابقه اختلافات درونی، تضعیف جنبش اسلام سیاسی و انزوای بیش از پیش در منطقه دست بگیران است. از سوی دیگر بر متن گرانی و بیکاری و فلاکت شدید و بیسابقه، ناراضی و اعتراضات کارگران و توده مردم گسترش می یابد و جامعه به سمت يك رویارویی آشکار با جمهوری اسلامی سوق داده میشود. این شرایط تحولات زیر و روکننده انقلابی در جامعه ایران را به محتمل ترین روند سیر اوضاع تبدیل میکند و در چشم انداز قرار میدهد.

۲- تجربه انقلابات منطقه این واقعیت را بیش از پیش تاکید و برجسته میکند که انقلاب تنها با حکومتی که میخواهد سرنگون کند مواجه نیست، بلکه طیفی از دولتها و نیروهای ارتجاعی، از روبرو و یا با ظاهرطرفداری از مردم، با پرچم ناسیونالیسم و اسلام معتدل و دموکراسی و حقوق بشر و غیره و با هدف کنترل اوضاع بعد از سرنگونی حکومت و تحریف و عقیم گذاشتن و نهایتا به شکست کشاندن انقلاب فعال میشوند.

۳- در شرایط سیاسی ایران نیروهای اپوزیسیون راست، نظیر سلطنت طلبان و ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی، نیروهای ملی - اسلامی، سازمان مجاهدین، و احزاب قومی در کردستان و آذربایجان و خوزستان و سیستان و بلوچستان، علیرغم تفاوتهاشان با یکدیگر، میتوانند به اهرم دخالتگری و تاثیرگذاری دولتهای غربی و دولتهای منطقه تبدیل بشوند.

۴- تجربه انقلابات منطقه بر این

واقعیت تاکید میکند که ناروشنی و ابهام در مورد خواستها و مطالبات مشخص و رادیکال در جامعه و بویژه در نزد فعالین و پیشروان انقلاب يك عامل مهم نافرجام ماندن مبارزات مردم است. در شرایط انقلابی مبارزه حول بود و نبود حکومت و علیه چهره های شاخص نظام متمرکز و قطبی خواهد شد اما نفی دیکتاتوری باید در عرصه های مختلف و تا سطح نفی نظام موجود، نفی کل نهادهای اعمال قدرت رژیم و ماشین دولتی، و لغو کل قوانین ارتجاعی حاکم معنی و ترجمه بشود. این يك شرط اساسی مصون ماندن انقلاب در برابر دسیسه ها و سناریوها و دولت سازبهای نیروهای ارتجاعی بومی و منطقه ای و بین المللی، و یکی از ارکان تامین هژمونی کارگری بر تحولات انقلابی در ایران است

۵- يك فاکتور مهم دیگر در تقویت و تعمیق انقلاب تنوع و گستردگی مبارزات و اعتراضات جنبشهای اعتراضی و درجه تعیین و سازمانیافتگی آنها در شرایط پیشا انقلابی است. جنبشها و کمپینهای اعتراضی معین، با چهره ها و نهادهای تشکلهای مبارزاتی در هر عرصه، در واقع نقطه اتکا و سرمایه انقلاب در برابر کمپ ضد انقلاب محسوب میشوند. هر چه این عوامل فعالتر و در سطح گسترده تری در جامعه حضور داشته باشند انقلاب شباخت کمتری به يك شورش و انفجار ناگهانی و قربت بیشتری به يك حرکت متشکل و متحد و آگاهانه و نقشه مند خواهد داشت و لذا خواهد توانست تا پیروزی نهائی و تحقق آزادی و برابری و رفاه جامعه به پیش برود.

۶- جنبش کارگری میتواند نقش تعیین کننده ای در بسیج و حرکت

در آوردن مردم و رادیکالیزه شدن مبارزات و اعتراضات توده ای ایفا کند. هر اندازه ثقل جنبش کارگری در جامعه بیشتر باشد و نهادهای تشکل ها و فعالین این جنبش در جامعه معرفی تر و شناخته شده تر باشند جامعه مصونیت بیشتری در مقابل تعرضات و دخالتگریهای ارتجاعی دول غربی و دیگر نیروهای ارتجاعی و شرایط مساعدتری برای تعمیق و بفرجام رسیدن انقلاب خواهد داشت.

۷- مبارزات و اعتراضات کارگران و بخشهای مختلف مردم در ایران باید چهره و نماینده بین المللی داشته باشد. در عصر ما مبارزه و اعتراض و انقلاب بیش از هر زمان دیگر خصلتی جهانی یافته است. از یکسو توده مردم در برابر يك درصدیهای حاکم در همه کشورها بیش از پیش احساس نزدیکی و همسرنوشتی میکنند و از سوی دیگر شکسته شدن انحصار بورژوازی بر رسانه ها و اخبار و اطلاعات و گسترش نقش مدیای اجتماعی توده مردم و نیروهای انقلابی را در يك ارتباط نزدیک جهانی با یکدیگر قرار داده است. در این شرایط اتکا به نیروهای چپ و آزدیخواه و افکار عمومی مردم جهان و بسیج آنها در حمایت فعال از مبارزه و اعتراض کارگران و مردم ایران، در اعتراض جهانی علیه سیاستهای ضدانسانی جمهوری اسلامی و همچنین در خنثی کردن تمهیدات و سیاستهای دولتهای غربی و نیروهای ارتجاعی منطقه میتواند نقش موثری در تقویت و پیشروی و پیروزی انقلاب در ایران داشته باشد.

۸- حزب کمونیست کارگری خود يك پدیده و فاکتور سیاسی مهم در تحولات جامعه است. نفس حضور و وجود يك حزب کمونیست انقلابی

به معنی برخورداری توده مردم و کمپ انقلاب از يك آلترناتیو حکومتی است که میتواند در برابر بالائیها و دولتهای دست ساز آنها قدرت خیابان و انقلاب، قدرت مردم متشکل در شوراها و عروج تشکلهای نوع شورائی بعنوان دولت را نمایندگی کند. این خطیرترین و مهمترین وظیفه ای است که در برابر حزب ما قرار دارد. حزب میتواند و باید به قدرت قابل اتکا و اعتماد توده های مردم تبدیل بشود، در صف مقدم اعتراضات و مبارزات مردم ظاهر شود، چشم انداز سوسیالیستی طبقه کارگر را در برابر توده مردم انقلابی قرار بدهد و بعنوان تجلی و مدافع و نماینده اعمال اراده مستقیم مردم در اداره امور جامعه و نیروی شکل دهنده دولت نوع شورائی در جامعه شناخته بشود.

با توجه به نکات فوق حزب فعالیتهای مشخص زیر را در صدر اولویتهای خود قرار میدهد:

الف- اشاعه و توده گیر کردن معنی مشخص سرنگونی جمهوری اسلامی در شکل خواستها و اهداف و توقعات و انتظارات مشخص رادیکال، آزدیخواهانه و برابری طلبانه در عرصه های مختلف و بویژه در عرصه مبارزه علیه آپارتاید جنسی و بیحقوقی زن، و مبارزه علیه مذهب.

ب- نقد و افشای پیگیر نیروهای اپوزیسیون راست (نیروهای ملی- مذهبی، ناسیونالیسم عظمت طلب و نیروهای ناسیونالیست قومی وغیره).

پ- مقابله فعال با سیاستهای دولتهای غربی و دولتهای منطقه در قبال تحولات در ایران و خنثی کردن سناریوها، چهره سازی و دولت سازیها و دخالتگریهای سیاسی و نظامی این دولتها.

ت- شکل دادن به کمپینها و آکسیونها و جنبشهای اعتراضی در داخل و خارج کشور. تقویت و گسترش نهادهای و تشکلهای اعتراضی و تامین حضور فعال چهره های علنی در این اعتراضات.

ث- تلاش برای تقویت، متحد ساختن و جهت دهی به جنبش کارگری با هدف تامین هژمونی طبقه کارگر هم از نقطه نظر سیاسی در تحولات و در مبارزه بر سر قدرت سیاسی و هم از نظر قدرت و کارساز بودن شیوه های مبارزه نظیر اعتصابات کارگری.

ج- طرح و اشاعه ایده اعتصاب در مراکز تولیدی کلیدی و اعتصاب عمومی.

چ- گسترش فعالیت بین المللی در دفاع از مبارزات مردم ایران و برای منزوی کردن جمهوری اسلامی

ح- تلاش پیگیر برای عروج و عرض اندام حزب بعنوان نماینده سرنگونی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری در ایران بقدرت انقلاب؛ پرچمدار خواستها و اهداف انسانی کارگران و توده مردم در برابر کل کمپ راست، دولتهای غربی، دولتهای منطقه و نیروهای رنگارنگ اپوزیسیون راست؛ آلترناتیو قابل اعتماد و اتکای مردم برای جانشینی حکومت.

حزب کمونیست کارگری با تاکید و تمرکز بر مجموعه فعالیتها و وظایف فوق به استقبال انقلاب می رود و خود و جامعه را برای طوفانی که در راه است و برای مقابله با سیاستها و دخالتگریها و مانورهای نیروهای ضد انقلاب آماده میکند. این در پایه ای ترین سطح پاسخ ما به مساله تامین رهبری و سازماندهی و به پیروزی رساندن انقلاب در ایران است.\*



## خیزش مردم ترکیه و سرایشب اسلام "میانہ"

اعتراضات مردمی گسترده ای که از روز ۲۸ ماه مه (۷ خرداد) یعنی بیش از یک هفته پیش از استانبول شروع شد و سراسر ترکیه را فراگرفت، همچنان ادامه دارد. جرقه این تظاهرات از اعتراض به تخریب یک پارک عمومی در "میدان تقسیم" استانبول شروع شد. اما بسادگی میشد دید که جنبشی که فوران کرده است ریشه های عمیق تر و سیاسی تری دارد. نام "میدان تقسیم" که محل اصلی تظاهرات در استانبول میباشد، اکنون مترادف با میدان التحریر بکار برده میشود. تظاهر کنندگان خشم خود را مستقیماً متوجه حزب حاکم اسلام گرای عدالت و توسعه نمودند و علیه این حزب شعار دادند. تظاهر کنندگان بر سرنگونی اردوغان و حزب اسلامیش تاکید کردند. این جنبش نشان داد که جامعه ترکیه عمیقاً و وسیعاً از دولت اردوغان و کل سیستم حاکم خشمگین است. تظاهرات بسرعت سراسر ترکیه را فرا گرفت. مردم در دهها شهر بزرگ و کوچک در صفوف صدها هزار نفره علیه دولت و حزب حاکم دست به تظاهرات زدند. در بسیاری از شهرهای بزرگ جهان نیز تظاهراتهایی به حمایت از مردم ترکیه به جریان افتاد. مردم تعرضات دولت اردوغان به زندگی خود را محکوم کردند، از قوانین اسلامی ابراز انزجار کردند، بر ارزشهای سکولار تاکید کردند، و مستقیماً خواهان برکناری حزب عدالت و توسعه و شخص اردوغان از قدرت شدند.

خشونت و بیرحمی ای که پلیس و نیروهای اطلاعاتی ترکیه علیه تظاهرکنندگان در این روزها بکار بردند، یادآور حملات بسیجی ها و لباس شخصی های جمهوری اسلامی ایران در سال ۸۸ به مردم تظاهر کننده بود. فیلم ها نشان میداد که در ترکیه نیز در مواردی

تانکهای ضد شورش تظاهر کنندگان را زیر گرفته اند، پلیس و لباس شخصی ها دستشان به هرکس میرسد بیرحمانه آنها را مورد ضرب و شتم و تعرض قرار میدهند، و هیچ ابایی از جنایت علیه مردم ندارند. بنا به آمار بیش از ۴۰۰۰ نفر زخمی شده اند، حداقل سه نفر به قتل رسیده اند و

شرکت وسیع کارگران همراه شد. کارگران در حالی که علیه دولت اردوغان شعار میدادند و طبل میزدند، به طرف میدان تقسیم راهپیمایی کردند. در آنکارا نیز کارگران، معلمان، پرستاران و کارمندان دست به اعتصاب و راهپیمایی زدند. این اعتصابات تاکید میکنند که خیزش توده ای در

جنبش اسلامی و مدافع ارزشهای چپ و سکولار میدانند و از روز اول روی کار آمدن باند اردوغان و حزب عدالت و توسعه اش، با چنگ و دندان مانع تغییر قوانین در جهت اسلامیزه کردن جامعه ترکیه شده اند و در این زمینه بدرجات زیادی موفق بوده اند. اسلامی ها گرچه با تغییر بسیاری از ضوابط و مقررات،

بود که این تظاهرات به حزب حاکم وارد نمود. اما مردم خشمگین آنرا کافی ندانستند و بر محاکمه عاملین و آمرین تعرض به مردم و استعفای اردوغان پافشاری میکنند. مردم ترکیه با اعتراضات خود نشان دادند که با انقلابات منطقه علیه دیکتاتوری های سرمایه داران از هر رنگ و قماش



وضعیت حدود ۵۰ نفر از زخمی ها وخیم گزارش شده است.

جنبش توده ای در ترکیه که برخی رسانه ها آنرا "بهار ترک" خوانده اند، به افسانه ای که رسانه های بورژوازی نظیر بی بی سی و امثال آن از "اسلام میانہ" و "اسلام نوع ترکیه ای" ساخته بودند، مهر پایان کوید و نشان داد که ترکیه نیز همچون ایران و مصر و تونس و لیبی آستان تحولات عمیقی است. فراخوان ده اتحادیه کارگری استانبول به اعتصاب در روزهای ۴ و ۵ ژوئن برای خواستهای رفاهی و در اعتراض به خشونت پلیس علیه تظاهر کنندگان و با خواست محاکمه سران نیروهای انتظامی و استعفا اردوغان، با استقبال و

ترکیه میتواند در آینده خود به تحولاتی عمیق و رادیکال و کارگری بینجامد. اردوغان که در تلاش برای بی اهمیت جلوه دادن تظاهرات دست به سفری دیپلماتیک به کشورهای آفریقایی زده بود، در مصاحبه ای با نیویورک تایمز مقصر این جنبش را تویتر و مدیای اجتماعی میدانند و با خشم میگوید "ما اکنون با تهدیدی شیطانی مواجهیم که تویتر نام دارد. بهترین نمونه دروغ ها را میشود آنجا پیدا کرد. از نظر من بدترین تهدید برای جامعه مدیای اجتماعی است!"

حقیقت اینست که این اولین جدال مردم با حزب اسلامی عدالت و توسعه نیست. توده های وسیعی از مردم ترکیه خود را مخالف

دست بازتری در فعالیتهای خود پیدا کرده اند، اما در هیچ زمینه ای قادر به تحمیل قوانین اسلامی به مردم نشده اند. اساساً زیر فشار جنبش گسترده سکولار و ضد اسلامی در ترکیه بود که این حزب چند سال پیش ناچار شد نام خود را از حزب رفاه اسلامی به "حزب عدالت و توسعه" تغییر دهد.

خیزش مردم ترکیه تا همینجا باعث شده است که جنبش اسلامی موسوم به "اسلام میانہ" یعنی اسلام طرفدار دول غربی عمیقاً ترک بردارد، بی اعتبار شود و به سرایشب بیفتد. عقب نشینی دولت و عذرخواهی از مردم و تاکید بر اینکه مردم حق دارند تظاهرات کنند، نشان دهنده ضربه کاری ای

همسو هستند و دیر نخواهد بود که شاهد تحولات عظیم تری در ترکیه باشیم. تحولاتی که میتواند نه فقط به دخالت ارتجاع اسلامی و مذهبی در زندگی مردم پایان دهد، بلکه با زیرو رو کردن نظام ضد انسانی و استثماری سرمایه داری، نویدبخش برپایی جامعه ای انسانی و مرفه و مدرن باشد.

حزب کمونیست کارگری ایران از مبارزات و خواستهای کارگران و مردم ترکیه برای کنار زدن حزب اسلامی حاکم و دولت اردوغان حمایت میکند و مردم ایران را به حمایت از این جنبش اعتراضی فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران ۱۶ خرداد ۱۳۹۲، ۶ ژوئن ۲۰۱۳

## اعتراضات مردمی در ترکیه، آغاز فروپاشی الگوی اسلام میانه رو!



محسن ابراهیمی

اینکه يك اعتراض نسبتا كوچك (با حضور قریب ۵۰ نفر) برای يك خواست ظاهرا غیر مهم (ساختن يك مجتمع تجاری به جای يك پارک)، فورا به يك اعتراض گسترده سراسری (بیش از ۷۰ شهر و با حضور صدها هزار نفر) با يك خواست سیاسی (استعفاي نخست وزیر) تبدیل میشود و جامعه ترکیه به صحنه رودروئی علنی و سنگر بندی خیابانی مردم علیه دولت و نیروهای سرکوبش تبدیل میشود حاکی از تنشها و تضادهای بنيادی است که مدتهاست زیر ظاهر آرام و موفق حاکمیت حزب اسلامی "عدالت و توسعه" عمل میکرده است. تخریب پارک گزی در میدان تقسیم تنها يك فرجه بود که از درونش همین تضادها در شکل يك رو در روی آشکار میان مردم و دولت بروز کرد.

مفسرینی از طیف راست طرفدار پر و پاقرص سرمایه داری بازار آزاد اطمینان داده اند که در ترکیه خبری نیست و جای نگرانی نیست. مفسرانی میگویند که این تحرك اعتراضی هیچ ربطی به "بهار عربی" ندارد و ترکیه قرار نیست به انقلابات منطقه بپیوندد. میگویند دولت اسلامی اردوغان يك نمونه موفق از دمکراسی برای سرمایه داری بازار آزاد در منطقه است. میگویند اقتصاد رشد کرده

است؛ تجارت خارجی بالا رفته است؛ سرمایه گذاری گسترش یافته است؛ و بالاخره ترکیه دارد به يك الگوی سیاسی و اقتصادی موفق در منطقه تبدیل میشود و ظاهرا تمام مسئله این است که جوانان طبقه متوسط حوصله شان سررفته است و به خاطر چند درخت شلوغ میکنند! و آنچنانکه انتظار میرفت دولت اردوغان هم با همان ابزارهای نخ نمایی به سراغ این اعتراضات رفت که قبلا امثال سران حکومت اسلامی و مبارک و بن علی به سراغ انقلابات آن کشورها رفته بودند: اقلیتی از اوباش که از خارج دستور میگیرند شلوغ کرده اند!

به نظر من پشت تحقیر بیشرمانه این مبارزه حق طلبانه، گسترده و قدرتمند، ترس از آن قدرتی نهفته است که تا همینجا توانسته است بن علی و مبارک و عبدالله صالح و قذافی را بزیر بکشد و در خود ترکیه هم اوباش حزب عدالت و توسعه را فعلا به عذرخواهی از مردم (همان اقلیت) مجبور کند. صاف و ساده ترس از این است که میدان تقسیم مثل میدان تحریر به قلب تپنده يك انقلاب تبدیل شود. در آخرین تجمعات اعتراضی، پلاکارد "همه جا میدان تحریر است" به نحوی سمبلیک اوباش حاکم در ترکیه را در کنار اوباش حاکم در مصر، اعتراض ترکیه را در کنار انقلاب مصر و میدان تقسیم را در کنار میدان تحریر قرار میدهد.

مردم ترکیه با خیزش اخیر دوششان را زیر پرچمی بردند که انقلابیون تحریر بلند کرده اند. طنز روزگار این است که اخوان المسلمین، سردهسته دزدان انقلاب مصر، برای حل مسائلمش به الگویی چشم دوخته است که خود الان جزو صورت مسئله است.

### حزب اسلامی در خدمت دو قلوی خونین جهانی

حزب اسلامی "عدالت و توسعه" در متن بحران سیاسی ناسیونالیسم ترك که اساسا توسط نظامیان نمایندگی میشود سر کار آمد. زمانیکه نظامیان دیگر ظرفیت تامین ثبات و آرامش سیاسی کشور را از دست دادند، زمانیکه شکاف میان توده های فقر زده ترکیه با حاکمیت عمیقتر میشد و خطر خیزشهای وسیع کارگری و تهیدستان، چشم انداز تیره سیاسی در مقابل طبقه حاکم ترکیه قراد داده بود؛ هم بورژوازی ترك و هم سرمایه جهانی زیر بال حزب عدالت و توسعه را گرفتند تا این خلاء را پرکنند. عروج "آلترناتیو اسلامی میانه رو" به جای ناسیونالیسم نظامی سکولار، يك حمله پیشگیرانه سیاسی برای جلوگیری از شکل گیری يك جنبش رادیکال در متن فقر اقتصادی و نارضایتی سیاسی بود.

به این ترتیب، حزب اسلامی عدالت و توسعه، با دستور کار اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول وارد صحنه سیاسی شد؛ بازار کار و کالای ترکیه به روی بازار سرمایه و کالای بین المللی بازتر شد؛ دست سرمایه داران خصوصی داخلی و خارجی در رقابت آزاد در دوشیدن کارگران بازتر شد (طوریکه حتی شیوخ میلیاردی عرب بحران یورو را با کج کردن راهشان به ترکیه دور زدند)؛ روی دوش ریاضت اقتصادی کارگران و توده های تهیدست، اقتصاد "شکوفه" شد و "رشد" پیدا کرد؛ فاصله فقر و ثروت زیادتر شد؛ و لایه تازه ای از میلیونها اسلامی وابسته به حزب حاکم به صف طبقه سرمایه دار ترکیه اضافه شدند که اکنون يك پایگاه اجتماعی مهم همین



دولت هستند. روشن است که این همه "شکوفایی" ممکن نمیشد مگر با تعرض به حقوق کارگران و سطح دستمزدها و حق اعتصاب و تشکل و آزادی بیان که خود جزو مهمی از شرایط دوقلوی خونین بانک جهانی و صندوق بین المللی پول هستند.

### تقابل میان اسلام و سکولاریسم!

حزب حاکم ترکیه اگر چه يك حزب اسلامی است اما نه تنها نتوانسته است جامعه را اسلامی کند و احکام شریعت را پیاده کند (قادر نشده است حتی ممنوعیت حضور زنان با حجاب در اماکن دولتی را لغو کند)، بلکه حتی مجبور شده است برای ماندن در قدرت از اسلام سیاسی همعصرش فاصله بگیرد و این فاصله را علنا نشان دهد.

این چند دلیل دارد: اولاً، سکولاریسم در جامعه ترکیه قدرتمند است. مردم ترکیه توحش اسلامی را در کشور بغل دستی دیده اند و میدانند قوانین اسلامی چه نکستی است. دولت اسلامی از واکنش قدرتمند جامعه میترسد. همین چند هفته پیش، وقتی بوسه در ملاعام ممنوع شد،

دولت هستند. روشن است که این همه "شکوفایی" ممکن نمیشد مگر با تعرض به حقوق کارگران و سطح دستمزدها و حق اعتصاب و تشکل و آزادی بیان که خود جزو مهمی از شرایط دوقلوی خونین بانک جهانی و صندوق بین المللی پول هستند.

در يك دهه حاکمیت حزب اسلامی اردوغان، به یمن اعمال سیاستهای مورد نظر سرمایه جهانی، تضاد دو قطب سرمایه کار در ترکیه گسترده تر و عمیقتر شده است. تضادی که يك عامل پایه ای تقابل سیاسی امروز است. به میدان آمدن فدراسیون خدمات عمومی به نمایندگی از ۲۴۰ هزار کارگر و اتحادیه فلزکاران به نمایندگی از ۱۵۰ هزار کارگر در اعتراض به رفتار دیکتاتور منشانه حزب حاکم، حاکی از این است که طبقه کارگر ترکیه میتواند بسرعت به نیروی تعیین کننده اعتراضات بعدی تبدیل شود. نیرویی که هم میتواند قدرت عددی اعتراض خیابان را بالا ببرد، و هم با توسل به سلاح اعتصاب سراسری اش



## پیام پلنوم چهارم کمیته مرکزی به مردم ترکیه

درد به مردم قهرمان ترکیه! پلنوم چهارم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران با مبارزات و تظاهرات عظیم مردم ترکیه که هم اکنون بر علیه دولت اردوغان جریان دارد، اعلام همبستگی میکند.

ما خود را همراه و پشتیبان مردم ترکیه در مبارزه برای رهایی از شر دولت اسلامگرای ترکیه و برقراری آزادی و برابری میدانیم.

پلنوم چهارم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران  
۲ ژوئن ۲۰۱۳



## قرار مصوب پلنوم چهارم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران باتفاق آرا

استفاده از تصویر شخصیت‌های جنبش کمونیستی بعنوان آرم و نشان ثابت (لوگو) نشریات و رسانه ها و در مراسم حزب جایگاه آنانرا از رهبران جنبش انقلابی طبقه کارگر به

نمادهای ایدئولوژیک تنزل میدهد. پلنوم قرار قبلی مصوبه در پلنوم ۱۶ در مورد الزامی بودن استفاده از عکس منصور حکمت بعنوان آرم و لوگوی ثابت نشریات حزب را لغو میکند.

International Committee Against Stoning  
(<http://stopstoningnow.com>)  
International Committee Against Execution  
(<http://notonmoreexecution.org>)

For more information contact:  
Spokesperson: [minaahadi@aol.com](mailto:minaahadi@aol.com)  
0049-177-569-2413

## اعتراضات مردمی در ترکیه، آغاز فروپاشی الگوی اسلام میانه رو!

از صفحه ۵

واکنش اعتراضی مردم نمیترسید و از طرف دیگر میتوانست درعین پیاده کردن شریعت اسلامی در جامعه، همچنان مطلوب سرمایه جهانی و دولتهایش بماند و بورژوازی ترکیه را همچنان شکوفا کند، حتی یک روز هم در تحمیل بربریت اسلامی بر جامعه درنگ نمیکرد که البته در دوره ای که اسلام سیاسی آخرین کورسهایش را میزند نمیتوانست موفق شد.

خیزش اخیر که پرچم "ما دولت استبدادی و مذهبی" نمیخواهیم را بلند کرد، قدرت بزرگ جنبش سکولار در جامعه ترکیه را نشان میدهد. نشان میدهد که این جنبش قصد دارد اجازه دست درازی اسلام به حرمت و شان شهروندان را ندهد.

از نقطه نظر تقابل سکولاریسم و مذهب در ترکیه، اعتراضات اخیر حاکی از یک پیشروی جدید اردوی سکولار در تقابل با مذهب است. در جامعه ترکیه، برای مدت طولانی ظاهرا نظامیان دیکتاتورکلیددار سکولاریسم بودند و کسی که با ارتجاع مذهبی مخالف بود ظاهرا باید به ارتجاع نظامیان پناه می برد. در نقطه مقابل، این ارتجاع مذهبی متشکل بود که برای دوره ای تلاش کرد به نیروی اصلی ای که نظامیان حاکم را به چالش میکشید تبدیل شود. در ترکیه همیشه صف سوم وسیعی وجود داشت که در مقابل هر دو ارتجاع مبارزه کرده اند اما در مقیاس اجتماعی و به عنوان یک نیروی سیاسی مطرح ابراز وجود نکرده اند. اعتراض اخیر در کنار هیچکدام از این نیروها در مقابل دیگری نیست. نیروی سومی در مقابل هر دو نیرو است. احزاب ناسیونالیست-سکولاری که ریشه در گذشته دارند به مثابه یک نیروی متشکل در کنار اعتراضات اخیر نبوده اند.

از نقطه نظر تقابل سکولاریسم و مذهب در ترکیه، اعتراضات اخیر حاکی از یک پیشروی جدید اردوی سکولار در تقابل با مذهب است. در جامعه ترکیه، برای مدت طولانی ظاهرا نظامیان دیکتاتورکلیددار سکولاریسم بودند و کسی که با ارتجاع مذهبی مخالف بود ظاهرا باید به ارتجاع نظامیان پناه می برد. در نقطه مقابل، این ارتجاع مذهبی متشکل بود که برای دوره ای تلاش کرد به نیروی اصلی ای که نظامیان حاکم را به چالش میکشید تبدیل شود. در ترکیه همیشه صف سوم وسیعی وجود داشت که در مقابل هر دو ارتجاع مبارزه کرده اند اما در مقیاس اجتماعی و به عنوان یک نیروی سیاسی مطرح ابراز وجود نکرده اند. اعتراض اخیر در کنار هیچکدام از این نیروها در مقابل دیگری نیست. نیروی سومی در مقابل هر دو نیرو است. احزاب ناسیونالیست-سکولاری که ریشه در گذشته دارند به مثابه یک نیروی متشکل در کنار اعتراضات اخیر نبوده اند.

آغازی بزرگ برای شکست

تظاهرات بوسه راه افتاد و بوسه سیاسی شد. وقتی به حق فروش و مصرف آبجو حمله شد، آبجوخوری اعتراضی در خیابانها راه افتاد و آبجو هم وارد سیاست شد. تا همینجا دولت اسلامی هرگاه قصد کرده است مزه دهن مردم را بفهمد، دهن کجی مردم را تحویل گرفته است. حزب اسلامی حاکم از این میترسد که دست درازیش به ارزشهای سکولار جامعه ممکن است جامعه را به دست درازی به ارکان حکومت تحریک کند و نتیجتا اسلام میانه ای که قرار بود جایگزین اسلام سیاسی بحران زده شود خود غرق بحران شود. مثل همه حکومتهای سرمایه داری، اینجا هم ارزشهای ایدئولوژیک در خدمت سیاست است. مذهب در خدمت منافع مادی است.

دوما، این یک دولت سرمایه داری است و نقش اصلی اش تامین سودآوری سرمایه است. از نقطه نظر دولت سرمایه، سود مقدم بر مذهب است. سودآوری مقدستر از تقدس مذهبی است. مذهب در خدمت سرمایه است. دولتی که دستور کارش تامین شرایط اقتصادی و سیاسی مطلوب برای سود آوری سرمایه است نمیتواند پا درجایای اسلام سیاسی در حال شکت بگذارد و همان کاری را بکند که اسلام سیاسی کرده است. نمیتواند به نیازهای فرهنگی بازار جهانی سرمایه دهن کجی کند، در مقابلش شلنگ تخته اسلامی بیاندازد و همچنان الگوی سیاسی مطلوب این بازار باقی بماند و سرمایه جهانی و دولتهایش همچنان رویش حساب کنند. پراگماتیسم ایدئولوژیک حزب عدالت و توسعه به درجات زیادی به اینجا برمیگردد.

در یک کلام، اگر دولت اسلامی اردوغان از یکطرف از

۲ ژوئن ۲۰۱۳

## شرکت ما در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار



شهلا دانشفر

جمهوری اسلامی باید از آی ال او اخراج شود  
صد و دومین اجلاس سازمان جهانی کار، آی ال او در ۵ نوامبر، در همین هفته در ژنو آغاز به کار کرد و ما نیز مانند هر سال حضور یافتیم و آنجا را به صحنه اعتراض خود علیه حضور رژیم اسلامی تبدیل کردیم. این هفتمین سال شرکت ما در اجلاس های سازمان جهانی کار است و امسال هیأتی شش نفره از طرف کمیته همبستگی بین المللی کارگری - ایران، و حزب کمونیست کارگری ایران توانست با حضور قدرتمند خود در نشست چند هزار نفره افتتاحیه کنفرانس خود را به درون سالن برساند و با پلاکارد سرخی که بر رویش نوشته شده بود، رژیم اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود و با عکس هایی از کارگران زندانی صدای اعتراض کارگران و مردم ایران باشد. حضور هیأت ما در اجلاس با استقبال خوبی از سوی حاضرین روبرو شد. بسیاری از آنان عکس می گرفتند و اطلاعاتی منتشر شده از سوی کمیته همبستگی بین المللی کارگری را که موضوع اصلی اش، خواست اخراج رژیم اسلامی از سازمان جهانی کار بود، با علاقه می گرفتند و آنرا می خواندند. این اطلاعاتی ها همچنین حاوی شرح مختصری از وضعیت کارگران زندانی همراه با عکس تک تک آنان بود. گزارش مبسوط تر این حرکت اعتراضی جداگانه به صورت اطلاعیه منتشر شده است. اما هدف از این نوشته

تاکید مجدد بر سیاست انزوای رژیم اسلامی در سطح جهانی و تلاش ما برای اخراج آن از تمام مراجع بین المللی از جمله سازمان جهانی کار تاکید بگذارم.

ما میگوئیم جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست. بلکه دشمن و سرکوبگر مردم است. این حکومت سی و چند سال است که جنایت میکند و به بیسابقه ترین شکلی زندگی و معیشت کارگران و کل جامعه را به تباهی کشانده است. چنین حکومتی باید با انزوای سیاسی جهانی روبرو شود. خواست ما بسته شدن سفارت خانه های جمهوری اسلامی، این لانه های ترور و جاسوسی رژیم در تمام کشورهاست. خواست ما اخراج رژیم اسلامی از همه مراجع جهانی و از جمله سازمان جهانی کار است.

رژیم آپارتاید نژادی آفریقایی جنوبی یک نمونه تاریخی خوبیست که دیدیم چگونه به خاطر سرکوبگریهایش زیر فشار اعتراضات گسترده مردم این کشور مورد تحریم سیاسی جهانی قرار گرفت و بعد هم مردم با مبارزاتشان سرنگونش کردند. ما میخواهیم رژیم آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی نیز در سطح بین المللی به انزوای سیاسی کشیده شود. شرکت هر ساله ما در اجلاس های سالانه سازمانی جهانی کار گام مهمی در راستای این خواست و این گفتنمان است.

ما با حضور اعتراضی هر ساله خود در اجلاس های جهانی سازمان جهانی کار، اعتراض خود را به حضور جانبداران اسلامی که تحت عنوان نمایندگان کارگران و مردم ایران در آن شرکت دارند، اعلام کرده ایم. ما با در دست گرفتن عکس کارگران زندانی و با اطلاع رسانی خود از خواستها و مبارزات کارگران در ایران تلاش کرده ایم که صدای اعتراض کارگران و مردم ایران باشیم. همانطور که اشاره کردم حرفمان نیز این بوده است که جمهوری اسلامی

ماشین جنایت و سرکوب است، جمهوری اسلامی ضد کارگر، ضد زن و ضد انسان است و جای چنین رژیمی نه در سازمان جهانی کار و نه در هیچیک از مراجع بین المللی نیست و سران این رژیم باید بخاطر سی و چند سال جنایت و سرکوبگری هایشان به محاکمه کشیده شوند.

امسال نیز با همین گفتنمان در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار شرکت کردیم. اینها همه خطوط مهم صحبت های اعضای هیأت ما از جمله جمیله میرکی، ناصر کشکولی، پاسکال دکامپ و یوران گوستاوسون

مبارزه ما برای سرنگونی رژیم اسلامی است.

تا همین جا موفقیت های خوبی در جاری کردن گفتنمان بر سر پیشبرد این سیاست و انزوای سیاسی رژیم اسلامی داشته ایم. یک نمونه اخیر آن قطعنامه اتحادیه سراسری کارگران شهرداری در سوئد با ۵۵۰۰۰۰ عضو است که در کنگره مه ماه خود حمایتشان را از کارگران زندانی و مبارزات کارگران و مردم ایران اعلام داشتند. نمونه قبل از آن قطعنامه ماه مارس اتحادیه سراسری مونتاژ با ۱۳۰ هزار عضو در کشور استرالیا است و موضوع اصلی آن خواست انزوای سیاسی رژیم اسلامی در سطح جهانی و اخراج آن از سازمان جهانی



در این اجلاس بود.

ما با این کار و با شرکت خود در اجلاسی با چند هزار شرکت کننده از سراسر جهان، تلاش داریم که با جلب توجه و حمایت جهانیان از خواستهایمان، به سازمان جهانی کار فشار بیاوریم تا هیأت اعزامی از سوی رژیم اسلامی را بیرون کند. ما با این کار خود میکوشیم که به سازمان جهانی کار و به دول جهان اعلام کنیم که اجازه نمیدهیم با سیاستهای مماشات جویانه خود در مقابل مبارزات انقلابی کارگران و مردم ایران بایستید. این يك گفتنمان مهم برای جنبش کارگری و مبارزات مردم در ایران است که میکوشیم تا با قدرت آنرا به پیش ببریم. خصوصاً در اوضاع پر جنب و جوش سیاسی کنونی بردن چنین گفتنمانی و تلاش برای متحقق کردن آن گام مهمی از

کار در سطح جهانی بود.

در ادامه همین بحث لازمست اشاره کنم که جدا از تلاش برای اخراج رژیم اسلامی از آی ال او و دیگر مراجع رسمی بین المللی، ما فشار می آوریم که سفارتخانه های رژیم اسلامی در تمام کشورها بسته شوند. بطور مثال یکی از مراکز مهم آکسیون های اعتراضی در خارج کشور مقابل سفارتخانه های رژیم اسلامی است و يك تلاش مهم ما بردن همین گفتنمان به این آکسیون ها بوده است.

واقعیت اینست که امروز رژیم اسلامی بیش از هر وقت در انزوای جهانی قرار دارد. در راستای تلاشهایی که اشاره کردم و زیر فشار اعتراضات مردم امروز می بینیم که مساله تحریم سیاسی رژیم اسلامی و موضوع بسته شدن سفارت خانه های

آن زمینه بیشتری پیدا کرده است. از جمله در جاهایی چون کانادا و انگلیس سفارتخانه های رژیم اسلامی به تعطیلی کشیده شده است. نمونه مهمی از همین دست اقدام اخیر پارلمان کانادا در ۴ ژوئن در همین هفته است. در این روز پارلمان کانادا در اتاوا و انتاریو در اقدامی بیسابقه قتل عام تابستان ۶۷ توسط جمهوری اسلامی را به عنوان جنایت علیه بشریت به رسمیت شناخت و محکوم کرد. میخواهم بگویم که این ها همه پیشروی های مبارزات مردم ایران است. در بستر این پیشروی ها با قدرت بیشتری میتوان سیاست به انزوای سیاسی کشاندن رژیم اسلامی

را در تمام کشورها به پیش برد و از طریق سازمانهای کارگری در سراسر جهان و نیز احزاب سیاسی، دولتها را برای کشاندن پای این سیاست زیر بیشترین فشارها قرار داد. همچنین میتوان فشار بیشتری برای اخراج رژیم اسلامی از سازمان جهانی کار آورد.

خلاصه کلام اینکه امروز شرایط بیش از پیش برای به انزوا کشاندن بیشتر جمهوری اسلامی و جلب حمایت بخش های وسیعتری از کارگران و مردم و سازمانهای کارگری در سطح جهانی فراهم است. امروز با قدرت بیشتری میتوان برای به انزوا کشاندن رژیم اسلامی و از جمله اخراج آن از سازمان جهانی کار تلاش کرد و این يك کمپین اعتراضی مهم ماست که میکوشیم تا با تمام قوا به جلو ببریم.\*

## فعالیت‌های کمیته همبستگی بین المللی کارگری در استرالیا

### مصاحبه با ارسلان ناظری

بعد از پیگیری های مدام از طرف کمیته همبستگی بین المللی کارگری در استرالیا، اتحادیه سراسری کارگران مونتاز استرالیا در جلسه هیئت اجرایی خود اواخر ماه مارس در مصوبه ای از مبارزات کارگران ایران حمایت کرد. این قطعنامه در انترناسیونال شماره ۵۰۰ منتشر شد. این اقدام مهم در حمایت از کارگران ایران با پیگیری و فعالیت های ارسلان ناظری مسئول این کمیته در استرالیا به ثمر رسید. در باره اهمیت این اقدام انترناسیونال سوالاتی را با ارسلان ناظری مطرح نمود. هر چند پاسخ این سوالها با تاخیر دریافت شد، اما اشاره به فعالیت هایی که این کمیته همچنان در دست اقدام دارد و یادآوری این اقدام مهم و پاسخ گوئی به سوالاتی که پیرامون این حرکت مطرح است، همچنان ضروری است. با تشکر از ارسلان ناظری که به سوالات ما پاسخ گفت.

انترناسیونال: در ابتدا برایمان در مورد اتحادیه کارگران مونتاز استرالیا بگوئید.

ارسلان ناظری: به خوانندگان انترناسیونال سلام می گویم و امیدوارم که پوزش مرا برای تاخیری که از جانب من در انجام این مصاحبه پیش آمد، را بپذیرند.

اتحادیه مونتاز کارگران استرالیا یکی از اتحادیه های کلیدی استرالیا محسوب می شود و بالغ بر یکصد هزار کارگر در صنایع غذایی، فلزکاری و مهندسی، چاپ و بسته بندی، صنایع کنترل و صنایع اتومبیل سازی را نمایندگی می کند. هدف این اتحادیه همانطور که در شرح احوال خود می گوید این است

که از کارگران عضو این اتحادیه دفاع می کند تا از حقوق مکفی، شرایط کارمناسب، امنیت شغلی و احترامی که شایسته آنان است برخوردار شوند. این اتحادیه همچنین خدمات رایگان حقوقی و وکالت، سرویس رایگان برخورداری از حق بازنشستگی و تخفیف مسکن در ایام تعطیلات به اعضای خود ارائه می دهد. همانطور که در معرفی این اتحادیه آمده است این اتحادیه در راستای مراقبت از منافع کارگران عضو در سطح محلی، سراسری و بین المللی تلاش می کند.

۶۰۰۰ نمایندگان اصناف مختلف این اتحادیه بخش مهم اتحادیه مونتاز بحساب می آید و تحت حمایت ۱۴۰ سازمان حرفه ای در زمینه ارتفاع آگاهی قرار دارند.

بنا به بیان این اتحادیه واحد اصناف اتحادیه به این اتحادیه قدرت می دهد تا با کارفرمایان بزرگ مواجه شده و منافع کارگران اصناف تحت پوشش خود را نمایندگی کند. این اتحادیه ۱۵۰ سال فعالیت داشته و در بهبود بخشی شرایط زندگی کارگران از جمله ۸ ساعت کار در روز مرخصی با حقوق ایام زایمان و حق فراگیری کار نقش عظیمی را ایفا کرده است.

انترناسیونال: اهمیت مصوبه اخیر این اتحادیه چیست؟

ارسلان ناظری: در طول سالیان متمادی کار ما با اتحادیه کارگری استان نیو سات ولس اقدام اخیر واحد سراسری اتحادیه کارگران مونتاز در نوع خود بی نظیر بوده و اهمیت آن از این زوایه است که اولاً يك مصوبه کامل و تقریباً شامل تمام خواست و مطالبات ما که در متن مصوبه

تنظیم شده بوسیله کمیته همبستگی بین المللی برای آنان ارسال شد، می باشد. در تمام تجارب کاری ما با اتحادیه های این استان نمونه ای وجود نداشت که اتحادیه ای در این حد گسترده و کامل چنین مصوبه ای را بتصویب برساند و قویا و سلیس و روان خواهان ایزوله نمودن سیاسی بین المللی جمهوری اسلامی ایران شود و بایکوت این رژیم را در سازمان جهانی کار و تمام نهادهای بین المللی خواستار گردد. این وجهی است که کار این اتحادیه را با تمام کارهای تا کنونی اتحادیه های دیگر متمایز می نماید. مصوبه اخیر اتحادیه مونتاز وجه تقریباً متمایز دیگری هم دارد، اینکه هم خواستار آزادی بی قید و شرط فعالین کارگری و هم خواستار آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی شده است و این را ما تا کنون کمتر با اتحادیه ها سراغ داشته ایم. تجربه این بار ما در کار با واحد سراسری اتحادیه مونتاز بیانگر این است که ما قادر شدیم تا در جریان لابی و ارتباط مرتب این اتحادیه را به فکر وا داشته و این پتانسیل و کارایی را در این اتحادیه منجر شده و مشوقش شویم تا این مصوبه را به هیئت اجرایی خود برده و بتصویب رساند. ما در این مورد معین پیگیرانه و مدام و مسئولانه و مصمم به برآورده شدن خواستمان و جلب حمایت اتحادیه سراسری کارگران مونتاز برای کارگران ایران شدیم و برایش با خوشبینی و امیدواری وقت و انرژی اختصاص دادیم و نتیجه خوبی را هم بدست آوردیم.

انترناسیونال: ارتباط شما با اتحادیه کارگران مونتاز در چه سطحی است و چگونه پیش برده میشود؟

ارسلان ناظری: ما با این اتحادیه بطور مرتب در ارتباط بوده ایم و در طول سالیان متمادی کار ما با واحد استان این اتحادیه توانستیم در زمینه های مختلف و اساساً در محکومیت جمهوری اسلامی ایران و جلب حمایت از کارگران ایران حمایت های زیادی را از این اتحادیه کسب کرده که همه آنها بموقع و بجای خودش در گذشته چه از طریق اطلاعیه ها و چه از طریق سایت های ما به اطلاع عموم رسانده شده است. اما این بار و اخیراً با ارتباط گیری مدام و نظر به اهمیت موضوع به واحد سراسری اتحادیه مونتاز ارجاع داده شدیم و ماهها با واحد سراسری این اتحادیه تماس داشتیم. ما از طریق ارسال ایمیل ها و تماس های تلفنی مکرر با دفتر رئیس این اتحادیه کشمکش و مبارزات سخت کارگران ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی را بارها و بارها تاکید کردیم. در جریان ارتباط گیری ها مطلع شدیم که اهمیت این موضوع و ضرورت درخواست های ما به رویت رئیس اتحادیه اندرو دتمر رسیده و او هم این کار را در دستور خود قرار داده

است. در ادامه این ارتباط گیری بوده است که منشی دفتر رئیس اتحادیه هم تلفنی و هم با ارسال ایمیلی بما اطلاع داد که رئیس اتحادیه اطلاع داده که او هم نوشتن نامه حمایتی و تصویب مصوبه ای را در این زمینه در دستور کار خود دارد. ادامه این روند به اینجا منجر شد که نامه رئیس اتحادیه به همراه مصوبه تصویب شده برای کمیته همبستگی بین المللی کارگری ارسال شد و به اطلاع همگان رسید و در سایت ها هم در معرض دید همگان قرار گرفت

بنا به درخواست ما قرار ملاقاتی برای آینده نزدیک با رئیس این اتحادیه در سیدنی برای مان ترتیب داده خواهد شد. در این ملاقات ما در نظر داریم بطور اخص برسر چگونگی اجرای بندهای مصوبه اخیر اتحادیه مونتاز صحبت کنیم. بالاخص جوانب اجرای ایزوله نمودن بین المللی جمهوری اسلامی ایران و بایکوت این رژیم از سازمان جهانی کار و دیگر نهادها را از نظر این اتحادیه جویا می شویم در عین ادامه صفحه ۱۴

### تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصفر کریمی، دبیر کمیته خارج  
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

### تلفن تماس با حزب از ایران

شهاب دانشفر: دبیر کمیته سازمانده  
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K , Box: 2110 ,  
127 02 Skärholmen - Sweden

# کارگران جهان متحد شوید!



## در باره شورش جوانان در سوئد



مصاحبه با حسن صالحی

*انترناسیونال:* عامل اولیه شورش جوانان در سوئد چه بود و چه ابعادی پیدا کرد؟

حسن صالحی: اعتراضات در استکهلم یکشنبه شب ۱۹ ماه مه ۲۰۱۳ شروع شد. ۶ روز پس از آنکه در منطقه هوسبی واقع در شمال استکهلم پلیس یک مرد ۶۹ ساله را با ضرب گلوله از پای در آورد. روز چهارشنبه ۲۲ مه اعتراضی به قتل این مرد صورت می گیرد و مردم خواستار جوابگویی پلیس می شوند. پلیس اعلام می کند که ماجرا تحت بررسی است. در خبرها آمده بود که پلیس از همسر مرد به قتل رسیده پوزش خواسته است. ادامه این اعتراضات به شورش همه گیر تبدیل شد که نه فقط نواحی مختلف حاشیه استکهلم بلکه شهرهای اووه برو، ایسالا و لین شوپینگ را نیز فراگرفت. لازم به توضیح است که پلیس خود بعدا اعلام کرد که پلیسی که مرد ۶۹ ساله را با ضرب گلوله از پای در آورد مظنون به قتل است. آنچه که به شعله ورتن شدن این اعتراضات به حق منجر شد خشونت افسار گسیخته پلیس و برخورد راسیستی و توهین آمیز آنها به تظاهر کنندگان حق طلب در اولین روز این اعتراضات بود. این مسئله را در حضور چشمگیر پلیس در مناطق عمدتا مهاجرنشین و بکارگیری خشونت مفرط توسط آنها و تحقیر و لگد کوب کردن مداوم جوانان و همچنین عوامل دیگری نظیر فقر، نداری و بی امکاناتی ضرب کنید و آنوقت پی خواهید برد که ریشه این

اعتراضات از کجا نشات می گیرد. *انترناسیونال:* اشاره ایی به زمینه های اجتماعی شورش جوانان کردید. این را بیشتر توضیح دهید حسن صالحی: رویدادی که در سوئد رخ داد، رعد و برق در آسمان بدون ابر نبود. مشابه این رویداد در پاریس در سال ۲۰۰۵، آتن در سال ۲۰۰۸، لندن در سال ۲۰۱۱ و استکهلم در سال ۲۰۱۳ نشان از ریشه های عمیق اجتماعی این رویدادها دارد. کلاس از شورش در لس آنجلس در سال ۱۹۹۲ دور از انتظار نبود که این شورشها به اروپا نیز سرایت کند. مسئله فقط بر سر زمان بروز آن بود. دلیل اولیه شروع همه این شورشها تقریبا اعتراض نسبت به خشونت نیروهای پلیس بوده است. این بهیچوجه اتفاقی نیست. دولتهای سرمایه داری با اتخاذ سیاستهای ریاضت کشی اقتصادی فقر فزاینده ایی را به جامعه تحمیل کرده اند. همین اواخر بود که سازمان صلیب سرخ هشدار داد که فقر در اروپا به مرز خطرناکی رسیده است و صف گرسنگان طولانی تر می شود. تا آنجا که به جوانان در کشور سوئد بر می گردد طبق آمار منتشر شده است میزان بیکاری در بین این بخش از جامعه بالاست. بنا به یک آمار ۷۷ هزار جوان در سنین ۱۶ تا ۲۹ سالگی نه کاری دارند و نه به تحصیل مشغولند. اسم ۲۰ هزار نفر از آنها در هیچ مرکز کاریابی و پوشش تامین اجتماعی ثبت نشده است. بسیاری از این جوانان در مناطق حاشیه شهرهای بزرگ نظیر استکهلم زندگی می کنند. امکانات تحصیلی در این مناطق و در مقایسه با مناطق دیگر به مراتب بدتر است. این شامل امکانات تفریحی نیز می شود. این مناطق به درست اسم گتو را به خود گرفته اند. طبق تحقیقات انجام شده در سوئد افسردگی، اضطراب و اعتیاد در میان جوانان در سنین ۱۸ تا ۲۴

سالگی رو به افزایش داشته است. دلیل ناامیدی به آینده و بی پولی شماری از جوانان به دام گانگستریسم و گروههای بزهکار می افتند. دولتهای سرمایه داری برای پوشاندن این همه بی عدالتی به نیروی سرکوب خود متوسل می شوند و مناطق حاشیه ای را به قرق نیروهای پلیس در می آورند. آنها با به رخ کشیدن نیروی نظامی خود و با برخورد راسیستی و نژاد پرستانه با ساکنین مهاجر نشین می خواهد بر همه مصائب این مناطق سرپوش بگذارد. و آنوقت است که آتش شورش های خیابانی علیه بی عدالتی و خشونت و تحقیر دائم پلیس شعله ور می شود.

*انترناسیونال:* برخورد دولت و رسانه های جمعی سوئد به این رویدادها چه بود؟ حسن صالحی: نخست وزیر سوئد طبعاً از پلیس حمایت کرد. او این ناآرامی را نتیجه اقدامات جوانانی دانست که فکر می کنند با خشونت می توانند حرفشان را به کرسی نشانند و تهدید کرد که دولت چنین اجازه ای را به آنها نخواهد داد. وی در عین حال گفت که همه باید برای برقراری آرامش تلاش کنند. او در مورد سیاستهایی که منجر به چنین وضعی شده است البته چیزی نگفت و فقط به این اشاره کلی بسنده کرد که به وضعیت مناطق حاشیه شهرها باید توجه کرد. رسانه های سوئد هم طبعاً اخبار مربوط به این رویدادها را منتشر کردند و برخی نیز سعی کردند به دلایل بروز این ناآرامی ها بپردازند. البته خیلی ها هم سعی کردند با اشاره به آتش زدن خودروها توسط معترضین، این ناآرامی ها را به گروههای خلاف کار و بزهکار و خشونت طلب منتسب کنند و اصل قضیه را بپوشانند. جا دارد بگویم که گروههای راسیستی هم از این فرصت استفاده کردند و بدلیل اینکه اعتراضات عمدتا در نواحی مهاجر نشین صورت می گرفت به تبلیغات

نژادپرستانه خود دامن زدند و طبق معمول خواهان اخراج خارجیان از کشور شدند.

اجازه بدهید من همینجا دو موضوع را توضیح دهم. اینکه این اعتراضات در مناطق حاشیه شهرهای بزرگ روی داد بهیچوجه به این معنا نیست که دامنه آن فقط به "خارجی ها" محدود بود. من سعی کردم به زمینه های اجتماعی و اقتصادی این اعتراضات بپردازم و این البته برای همه جوانان کشور مشترک است. متوجه ویژگی های این حرکت هستم ولی نباید آن را فقط به ساکنین به اصطلاح مهاجرنشین مناطق حاشیه شهرها خلاصه کرد. شورش جوانان اعتراضی است به بی عدالتی در جامعه و در ردیف سایر اعتراضات اجتماعی قرار می گیرد که در سالهای اخیر برای مقابله با حملات دولت سرمایه داری به حقوق انسانها شدت گرفته است. در ثانی شورش جوانان مثل هر طغیان دیگری ممکن است اشکالات و کمبودهایی داشته باشد ولی منتسب کردن آنها به یک مشت بزهکار پنهان کردن ریشه های واقعی این پدیده و یا ناآگاهی در مورد آن است. این کاریست که برخی رسانه های خدمتگزار دولت سرمایه داری به آن دست زدند. طبعاً آتش زدن خودروهای شخصی مورد تائید نیست ولی اگر کسی می خواهد در این مورد قضاوت عادلانه ای داشته باشد باید قبل از هر چیز خیلی صریح و آشکار برخورد وحشیانه، راسیستی و تحقیر آمیز پلیس را شدیداً محکوم کند. کاری که معمولاً در این رسانه ها صورت نمی گیرد.

اگر صحبت بر سر به آتش کشیدن چیزی در میان باشد این به آتش کشیدن امید و آرزوهای جوانان است. چه کسی مسئول آن است؟ چه کسی است که با زدن امکانات تحصیلی و درمانی و تفریحی و از میان بردن امکان شغل جوان را به استیصال کشانده است؟ چه کسی است که با اذیت و آزار پلیسی و

راسیستی به تحقیر مداوم جوانان می پردازد؟ چه کسی است که این نیرو و امید فردای جامعه را پژمرده و ناامید می کند؟ وقتی به این دلایل بپردازیم به مناسبات سرمایه داری و سیاستهای دولتهای سرمایه داری بعنوان دلایل اصلی این مصائب می رسم. و بعد به این می رسم که شورش در یونان و انگلیس و سوئد و فرانسه همگی بهم ربط دارند و اینها همه بخشی از جنبش ۹۹ درصدی ها هستند که علیه وضع موجود قد علم کرده اند. تا آنجایی که به مناطق حاشیه شهرهای مهمی مثل استکهلم، گوتنبرگ و مالمو بر می گردد از قضا باید تاکید کنم که جوانان در این مناطق به اقدامات متشکلی دست زده اند. مثلاً در استکهلم سازمانی بنام "مگافون" وجود دارد که برای برقراری عدالت اجتماعی تلاش می کند. این سازمان، جوانان در مناطق حاشیه شهرها را برای بوجود آوردن جامعه ای آزاد و برابر سازماندهی می کند و معتقد است که مردم خودشان باید در سیاست دخالت کنند و سرنوشت خود را بدست گیرند. و یا در گوتنبرگ نهاد متشکلی از جوانان وجود دارد که نام آنها Pantrarna می باشد. این تشکل نیز آنچنانکه خود می گوید از قول و وعده های تهی سیاستمداران حاکم خسته شده است و برای تحقق خواستههای جوانان نیرو بسیج می کند. آنها تا کنون نیز موفقیتهای خوبی در تحمیل این خواستها بدست آورده اند. شعار اینها همه قدرت بدست مردم است. همین گروه در جریان اعتراضات اخیر در خطابییه ایی به مردم سوئد توصیه کرده است از وضعیتی جوانان در مناطق حاشیه شهرها و چرایی شورش اخیر ارائه داد که واقعا همه را تحت تاثیر قرار می داد. در پایان همین نامه خطاب به جوانان نوشته شده است: ما نباید ساکت باشیم، باید همصدا باشیم، حتی اگر دهانمان را بستند ما باید با رای خود سخن بگوئیم. جیبهای ما فقیر است ولی چشمانمان غنی و ثروتمند. همه قدرت به دست مردم!\*

## مادران مجرد در جمهوری اسلامی

### فرح صبری

موضوع مادران مجرد که به تنهای یک یا چند فرزند را سرپرستی میکنند در سالهای اخیر تحت عنوان "زنان سرپرست خانوار" به یک موضوع جدی بدل شده است. مشکلات و معضلات در این خانواده ها به قدری اسفناک است که به سوژه‌ی مطالب جراید بدل می شود و نهاد ها و سازمانهای به اصطلاح مربوط هم هر از گاهی با اعلام راه اندازی یک ستاد یا کمیته و بنیادی که ظاهرا قرار است وضعیت این زنان را بررسی و یا نهایتا کمک کند، ابراز وجود میکنند. در واقع آش آنقدر شور شده که جای انکاری برای سردمداران رژیم باقی نگذاشته است.

بنا به آمارهای نه چندان دقیق بیش از ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار خانوار را زنان سرپرستی میکنند. اکثریت این زنان کار ثابت ندارند. از آنجا که آنها باید همزمان از کودکانشان مراقبت کنند. از طرف دیگر میزان دستمزد زنان بطور عادی کمتر از مردان است. در بسیاری از خانواده ها که زن و شوهر هر دو کار می کنند و حقوق می گیرند، شرایط زندگی بسیار پائین تر از خط فقر است، به همین نسبت می توان دریافت زانی که با دستمزد ناچیز باید زندگی خود و فرزندانشان را تامین کنند، چه وضعیتی دارند.

به قول مقامات رژیم نزدیک به ۴۰ درصد از این زنان تحت پوشش سازمانهای حمایتی هستند. یکی از این سازمانهایی که خیلی مدعی کمک میباشد کمیته دزدی امام خمینی است که کاسه ی گدائیشان را سر هر کوی و برزن براه انداخته اند که مثلا به اقشار آسیب پذیر و فقیر کمک کنند ولی چه کسی است که نداند این نهاد فقط برای پر کردن جیب و میلیاردر

کردن آیت اله ها ساخته شده است؟ امروز دیگر این جور سازمانها در بین مردم هیچ آبرویی ندارند و دستشان برای همه روضه است، آنها هم شمشیر را از رو بسته اند و تقلائی برای عوام فریبی ندارند. آنها به چپاول ثروتهای بزرگی که در اختیارشان است، مشغولند و چیزی نصیب مردم نمیشود. در موارد زیادی زانی که به این قبیل نهاد ها مراجعه می کنند به شکل های مختلف مورد تحقیر و توهین قرار میگیرند.

چند سال پیش که تازه به قول خودشان بساط کمکهایشان گرمتر بود زنی جوانی را میشناختم با نام ربابه که با داشتن سه فرزند قد و نیم قد از هیچ حمایتی برخوردار نبود. او در یکی از خانه خرابه های متروکه ی اطراف شهر زندگی میکرد و از حداقل نیاز های حیاتی زندگی نیز برخوردار نبود.

در زمستانی که من آنها را دیدم از داشتن وسیله ی گرمایشی محروم بودند و هر شب یک حلبی را پر از چوب کرده و آتش درست میکرد و بعد از اینکه چوبهای سوخته شباهتی به زغال پیدا میکرد آن را به عنوان بخاری به داخل سرپناهی که دیوارهایش را به زور پوشانده بود میبرد و مجبور بود تا پاسی از شب بیدار بماند تا مبادا گاز زغال خطری برای فرزندان ایجاد کند. صبح که از به اصطلاح "خانه" بیرون میامدند، چهره هایشان دود گرفته بود و به قدری لباسهایشان بوی تند دود میداد که پسر بزرگش را که دانش آموز بود، به همین دلیل از کلاس بیرون میکردند. پسر و دختر ۶ و ۴ ساله ربابه هم مدام سرفه میکردند. ربابه روزها در کارگاههای اطراف شهر که در نزدیکی خانه اش بود کار میکرد.

کمیته ی امداد برای دادن حداقل کمک به این زن جوان از او طلاق نامه میخواست. همسر او معتاد بوده که یک روز از خانه بیرون رفت

و دیگر باز نگشت و ربابه دو سال در تقلائی گرفتن تقلائی طلاق غیابی بود.

فهیمة فیروز مدیر ستاد توانمند سازی زنان یکی از فاطمه کماندو های شهرداری تهران خبر افتتاح ستاد توانمندی زنان سرپرست خانوار را با تیتتر بزرگ اعلام میکند و میگوید: "ما در دوره های آموزشی خود بخشی را به مشاغل خانگی اختصاص داده ایم تا زنان سرپرست خانوار بتوانند در منزل خود، یک تولیدی کوچک ایجاد کنند و به تولید محصولات مختلف مانند زیورآلات بپردازند. در بحث مشاغل خانگی هنگامی که افراد در دوره های آموزشی آموزشگاهها حضور پیدا کنند و دوره های لازم را طی کنند، می توانند در مدت زمان کوتاهی و با ابزار بسیار کمی که از سوی ستاد توانمند سازی زنان سرپرست خانوار در اختیار این زنان قرار می گیرد، به تولید محصول اقدام کنند.

در واقع این سرمایه داران زالو صفت اسلامی از آب گل الودی که دست ساز خودشان است بهره ی کافی را برده و بساط استثمار شدید زنان بی پناهی که باید شکم فرزندانشان را سیر کنند، را براه انداخته اند. بسیاری این زنان با فرزندان خود فقط در یک اتاق کوچک زندگی می کنند و منزل و جایی برای ایجاد تولیدی وجود ندارد. حتی در صورت عملی بودن اینکار این زنان یا باید در سرمای و گرما و برف و باران برای فروش تولیدات خود در خیابانها و یا در مترو دستفروشی کنند و دائما مورد آزار و اذیت ماموران شهرداری باشند. و یا اینکه برای کارخانه ها شرکت تولید کنند و

محصول را با قیمت بسیار ناچیز در اختیار آنها بگذارند. در اینصورت این کارخانه ها بدون اینکه کمترین سرمایه گذاری انجام

دهند و پولی بابت محل تولید جنس، برق و آب و سایر ملزومات یک کارخانه بپردازند و بدون اینکه کمترین مسئولیتی در قبال کارگر داشته باشند، از محل کار این زنان سود های هنگفت به جیب می ریزند.

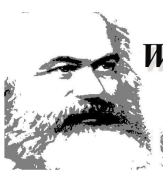
از دیگر طرحهای بهره کشی شهرداری از زنان، راه انداختن غرفه هایی در پارکها بود که به بهانه کمک به زنان سرپرست به قیمت های سرسام آور به آنها اجاره داده میشد تا محصولات دست ساز خودشان مثل شیرینی و منسوجات و غیره را به فروش برسانند. ولی به قدری اجاره ی غرفه ها بسیار زیاد بود. زهرا دختر ۱۹ ساله ای که از همسرش جدا شده و با داشتن یک فرزند دوساله سرپرست خانواده بود، یکی از این غرفه ها را اجاره کرده بود میگفت آنچه که از فروش محصولاتشان برایشان باقی میماند تنها حقوق دو ساعت کار است و البته این زالو صفت ها خوب می دانند که زنان بسیاری به دلیل بیکاری و نیاز شدید به این بیکاری تن میدهند.

در اینچنین جهنمی دزدان میلیاردری با بوق و کرنا کردن طرحهایی مثل بیمه درمانی اقشار آسیب پذیر افغان و لایحه پیشگیری از وقوع جرم و ... برای مجلس اسلامی و شورای نگهبان اسباب سرگرمی فراهم می کنند.



آنها هم این طرحها را پاس دهند و گویی میخواهند راه پیدا کنند در حالیکه این معضلات اجتماعی سالهاست راه حل روشن دارد و قرار نیست کسی شاخ غول بشکند و کافیسست سر کیسه ی دزدان کمی شل شود تا حداقل مثل کشورهای سرمایه داری دیگر از حداقل های یک زندگی استاندارد برخوردار گردد. هرچند که همان کشورهای به اصطلاح رفاه هم شروع به دندان نشان دادن به مردم و افسار گسیختگی دراستثمار و محرومیت هر چه بیشتر مردم از جمله حقوق حمایتی از زنان هستند. اما از آنجا که سرمایه داری اسلامی از فاشیست ترین اشکال سرمایه است تا سرنگونی کامل جمهوری اسلامی و زیر و رو کردن نظم موجود امید ی به بهبود زندگی میلیونها زن سرپرست خانوار نخواهیم داشت و چاره ی کار در دستان به هم گره خورده ما است که به قدرت اتحادمان بساط جانیمان اسلامی را جمع کنیم. تا بر پای یک دنیای بهتر از پای نخواهیم نشست.

زنده باد سوسیالیسم



**WE STILL NEED MARX**

**TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran  
www.wpiran.org

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

## سکولاریسم حق من است و آزادی فرهنگ من



مترجم: ناصر شیشه گر

آنچه در زیر می‌آید متن سخنرانی مریم نمازی در کنفرانس سکولاریسم است که در ماه مه ۲۰۱۳ در واشینگتن برگزار شد. شرکت کنندگان در این کنفرانس به آکسیون دفاع از امینه تیلر، عمادالدین حبیب، وبلاگ نویسان بنگلادش و الکساندر آن پیوستند.

\* خشم و انزجار از اقدام طالبان به ترور ملاله یوسفزای ۱۵ ساله به خاطر طرفداری از تحصیل دختران  
\* اعتراض توده‌ای علیه اسلاميون به خاطر قتل شكري بالعيد، رهبر سوسیالیست، و اعتراض عریان امینه تیلر در تونس مبنی بر اینکه «تن من منشاء ناموس شما نیست و تف بر اخلاقیات شما»

\* خشم از مرگ ندا آقاسلطان در روز روشن در جریان تظاهرات در ایران  
\* آکسیون فوریه برضد تروریسم جنسی در مصر، فریاد برهنه عالیا ماجده المهدی، آته‌ئیست مصری، علیه زن‌ستیزی و رقص جلوی دفاتر اخوان المسلمین...

دقت لازم نیست تا ببینیم چه مقاومت و ابراز مخالفت عظیمی دارد صورت می‌گیرد.

پس از دهها سال اسلام سیاسی و میلیتاریسم آمریکا و سلطه افسارگسیخته بازار آزاد و نسبییت فرهنگی و عدول از تمام چیزهای جهانشمول، اکنون دوره جدیدی از تحول بشر است. امروز دوره جنبش ۹۹ درصدی ها و انقلابات و قیامها در خاورمیانه و شمال آفریقا است - بسیاری از

آنها به سرکردگی زنان. گرچه با توجه به «پیشروی‌های» صوری اسلاميون در خاورمیانه (در واقع به منزله نیروهای ضدانقلابی که هدفشان سرکوب انقلابات است) ممکن است دیدن این دوره بعضی اوقات دشوار باشد، اما تغییر دوره محسوس است.

با این همه، بسیاری از چپ‌های پست مدرنیست و معتقد به نسبییت فرهنگی و لیبرالها و فمینیست‌ها قاطعانه به طرفداری از اسلاميون ادامه می‌دهند. هرگونه مخالفتی با قانون شریعت (که بر پایه قرآن و حدیث و فقه اسلامی استوار است) و حجاب و زن‌ستیزی اسلامی، با تهمت نژادپرستی، اسلام‌هراسی، امپریالیسم فرهنگی و اتهامات دیگر مواجه می‌شود. کسانی که چنین می‌گویند، این تصور نسبییتی - فرهنگی را باور کرده‌اند که جوامع خاورمیانه و شمال آفریقا (و حتی جوامع مسلمانان در غرب) متجانس اند: «اسلامی» و «محافظة کار». اما يك فرهنگ متجانس در هیچ کجا وجود ندارد.

از آنجایی که کسانی که در مسند قدرت هستند فرهنگ مسلط را تعیین می‌کنند، این نگرش، ارزش‌ها و احساسات اسلاميون را در حکم ارزش‌ها و احساسات «مسلمانان اصیل» می‌بیند. اما همانگونه که موسی بدیری، استاد دانشگاه بی‌زیت (قدیمی‌ترین دانشگاه فلسطینی)، که دانشجویان اسلاميست او را به خاطر الصاق کاریکاتوری بر در اتاق محل کارش تهدید کردند، می‌گوید: اسلاميون «با توسل به فحش و تهدید به خشونت فیزیکی می‌کوشند حق انحصاری آنچه که مسلمانان می‌توانند یا نمی‌توانند به آن فکر کنند، می‌توانند یا نمی‌توانند انجام دهند را به خود

اختصاص دهند. به تعدادی که ذهن آزاداندیش وجود دارد، به همان تعداد هم مسلمان جوراجور هست و باقی خواهد ماند».

در واقع، سکولارها، مسلمانان سابق، لامذهبان، آزاداندیشان، فعالین حقوق زن، مبارزین آزادی و سوسیالیست‌ها هم جزو «مسلمانان» و یا کسانی که چنین برجستگی خورده‌اند به حساب می‌آیند. حتی کسی مانند سلمان رشدی، از طرف «مسلمانان» حرف می‌زند. همانگونه که حنیف قریشی، نویسنده انگلیسی، می‌گوید: «او از تردیدهایشان می‌گوید. از آن جزئیاتی که گاهی واقعا به آنها فکر می‌کنند و احساس می‌کنند - آیا من واقعا به تمام این چیزها باور دارم - اما نمی‌توانند به زبان بیاورند...»

يك کاسه کردن اسلاميون و مسلمانان، داستانی است که اسلاميون در تلاش برای جا زدن خود به عنوان نماینده و محدود کردن ابراز مخالفت و معین کردن حدود و ثغور «قابل قبول» بیان بر سر زبانها انداخته‌اند.

کسانی که مدعی‌اند مطالبه سکولاریسم و مخالفت با حجاب و قوانین شریعت «نامانوس» و «از لحاظ فرهنگی نابجا» ست صرفا احساسات و ارزشهای اسلاميون را مد نظر دارند، نه احساسات و ارزشهای خیل کسانی را که در برابر آن مقاومت می‌ورزند. این امر نباید باعث تعجب شود. جمعیت عظیم جوانان در بسیاری از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا و انقلابات اخیر به سرکردگی زنان و پس زدن اسلاميون، مصاف‌هایی را علیه وضع موجود به همراه دارد.

دعاء العدل زن ۳۴ ساله کاریکاتوریست مصری است که به

خود آثارشیت مسلمان می‌گوید و به خاطر کاریکاتورهای سیاسی‌اش، که اسلاميون را دست می‌اندازد، به اهانت به اسلام متهم شده است. همانگونه که او می‌گوید: «از افراطیون واهمه‌ای ندارم». «هر کاری هم که بکنند، به استفاده از مهارت‌هایم برای دست انداختن‌شان ادامه می‌دهم. آنها باید بفهمند که ما مصریها با انقلاب عوض شده‌ایم و به قهقرا نخواهیم رفت.»

همانطور که در «غرب» مخالفان اعتراض عریان و حامیان حجاب و اسلامگرایی و شریعت وجود دارند، در «شرق» نیز حامیان اعتراض عریان و مخالفین حجاب و اسلامگرایی و قوانین شریعت وجود دارند. این امر همانقدر به «امپریالیستهای فرهنگی» که از روی ترحم «زن مسلمان را نجات می‌دهند» ربط دارد که مبارزه برای کسب حق رأی زنان برجسب امپریالیسم فرهنگی می‌خورد. تنها آن کسانی که حقوق و زندگی خود را جدا و متفاوت با کسانی که «دیگران» انگاشته می‌شوند می‌بینند، و آن کسانی که داستان اسلاميون را باور کرده‌اند (و یا دارند به خورد مردم می‌دهند) می‌توانند همبستگی و خواست برابری و سکولاریسم را به این شیوه انحرافی درک کنند.

طنز مسئله اینجاست که

مانند راست افراطی که با وجود اینکه از چندگانگی فرهنگی «نفرت دارد» اما از ایده تفاوت آن برای سپریلا کردن «دیگران» سود می‌جوید و سیاست خود را مبنی بر هویت نژاد سفید تبلیغ می‌کند، پست مدرنیستها نیز با خواست احترام و تحمل نسبت به «تفاوت» از چندگانگی فرهنگی برای جانبداری از ستمگر استفاده می‌کنند - هرقدر هم که این تفاوت غیر قابل تحمل باشد.

اما همانگونه که مریم هلیه لوکاس جامعه‌شناس الجزایری می‌گوید: «تفاوت و تنوع مفاهیمی دولبه‌اند؛ همیشه باید به خاطر داشت که نیروهای ارتجاعی از آنها استفاده کرده‌اند تا مردمان و مقوله‌های جمعیتی را - به زور - در تفاوتشان نگاه دارند. آنچه در پس "احترام به تفاوت" نهفته، تمایل شدیدی است به اینکه "دیگران" متفاوت باقی بمانند...»

دفاع از سکولاریسم، بیان آزادانه، برابر و مخالفت با قوانین شریعت و حکومت‌های اسلامی هیچ ربطی به «غرض‌ورزی نسبت به جوامع مسلمان» و نژادپرستی ندارد. چنین گفته‌ای، مخالفت عظیم از جمله در میان کسانی که مسلمان شمرده می‌شوند را نادیده می‌گیرد و مبارزات اجتماعی و



## سکولاریسم حق من است و آزادی فرهنگ من

از صفحه ۱۱

سیاسی و طبقاتی را انکار می‌کند. بطور قطع، نقد مذهب یا یک جنبش سیاسی راست افراطی ربطی به نژادپرستی ندارد.

اسلام‌هراسی اصطلاحی سیاسی است که به قصد ایجاد رعب برای وادار کردن مردم به سکوت استفاده می‌شود. تهمت اسلام‌هراسی برای این ساخته نشده که مسئله اصلی این مدافعان، تعصبات ضد مسلمانی است بلکه به خاطر دفاع از اسلام و اسلام‌گرایی ساخته شده است. اگر خیلی نگران مسلمانان و یا کسانی که چنین برجستگی خورده‌اند بودند، به جای اینکه از شریعت و اسلام‌گرایی حمایت کنند، با آنها مخالفت می‌کردند و از توجیه تروریسم اسلامی که «مسلمانان» را بیش از هر کس دیگری می‌کشد دست می‌کشیدند.

همانگونه که سایت زندگی زنان تحت قوانین اسلامی می‌گوید:

«ترور اسلاميون به هيچ وجه ابزار تهيدستان برضد اغنيا، ابزار جهان سوم عليه غرب و يا ابزار مردم برضد سرمايه داری نيست؛ پاسخی مشروع نيست که نيروهای مترقی جهان از آن حمایت کنند. آماج اصلی آن، اپوزیسیون دمکرات داخلی است به منظور اجرای پروژه دین سالاری و تحت کنترل گرفتن تمامی وجوه اجتماعی به نام دین، که آموزش و پرورش، نظام حقوقی، خدمات جوانان و موارد دیگر را شامل می‌شود. هنگامی که اسلاميون به قدرت می‌رسند مردم را وادار به سکوت می‌کنند؛ دست به حذف فیزیکی ناراضیان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، شاعران، موسیقیدانان و نقاشان می‌زنند - درست کاری که فاشیست‌ها می‌کنند. مانند

فاشیست‌ها untermenschen [مادون انسانها] را بطور فیزیکی حذف می‌کنند، از جمله «نژادهای پست» و همجنس‌گرایان و انسانهای از لحاظ ذهنی یا جسمی معلول. و زنان را «در جای خودشان» حبس می‌کنند...»

زمانی الیزابت کدی استنتون، مبارز حق رأی زنان و فعال لغو بردگی اهل آمریکا، گفته بود «انجیل و کلیسا بزرگترین مانع برسر راه رهایی زنان بوده‌اند». این گفته، امروزه بالاخص در مورد اسلام و اسلام‌گرایی صدق می‌کند. پر واضح است که وقتی از اسلام و یا هر دینی صحبت می‌کنم، منظورم دین به عنوان عقیده شخصی نیست. هر کسی حق اختیار کردن مذهب و آت‌ه‌نیسم را دارد، اما امروزه اسلام موضوعی شخصی نیست بلکه پرچم جنبشی سیاسی است؛ یک صنعت، یک گروه مافیایی، یک ماشین کشتار انسانها است.

کسانی که مخالفت با زن‌ستیزی مذهبی را با نژادپرستی و حمله به «مسلمانان» یکسان فرض می‌کنند، سهوا یا احتمالا فریبکارانه، حمله به عقاید و جنبشهای زن‌ستیز را حمله به مردم می‌بینند و ترجیح می‌دهند به جای زندگی و حقوق انسانها، از فرهنگ و مذهب جانبداری کنند. این دیدگاه نسبت‌گرایی فرهنگی، تلویحا دارد می‌گوید که آزادی زنان مختص کسانی است که «سفیدپوست» و «غربی» هستند؛ بقیه ماها فقط مجاز به «آزادی» در محدوده‌های مذهبی و فرهنگی اسلام هستیم.

«فمینیست‌های» اسلامی نظیر شیرین عبادی خواهند گفت که زنان در اسلام از حقوق کامل برخوردارند و اگر چنین نیست به خاطر کردار و تعبیر و تفسیرهای حکومتها است. او می‌گوید که



به قدرت سیاسی و سلطه می‌شود. هیچ دینی زن را آزاد نمی‌کند، بخصوص آن دینی که قدرت سیاسی را در اختیار دارد و دستگاه تفتیش عقاید را رهبری می‌کند. هر قدر نقش دین در قلمرو دولت، در حکومت، در نظام قضایی کمتر باشد زنان آزادترند - نه برعکس. سکولاریسم پیش شرط بهبود موقعیت زنان است، وضع تمام زنان و نه فقط زنانی که «غربی» هستند.

یک کاسه کردن اسلاميون و مسلمانان، به معنی آن است که خواستهای اسلاميون مطالبات اهالی خاورمیانه و شمال آفریقا انگاشته شود. در حالی که چنین نیست. هیچیک از انقلاباتی که در این منطقه صورت گرفت خواسته‌های اسلامی نظیر حجاب اجباری و قوانین شریعت و حکومت اسلامی نداشت. اسلام‌یسم نیروی است ضدانقلابی برای سرکوب انقلابات.

اگر مردم واقعا مایل بودند که در شرایط قرون وسطایی زندگی کنند، اگر واقعا رسم و رسوم قرون وسطایی فرهنگ مردم

اصولا ممکن است؟ اگر استدلالاتی را که تعبیرهای «خوب» ارائه می‌کنند تعقیب کنید، واهی بودن این خط مشی دفاعی را به سرعت درخواهید یافت. فرض کنید سوره النساء (زن) در قرآن، آیه ۳۴، که می‌گوید: «آن دسته از زنان را که از نافرمانی آنان بیم دارید نخست پندشان دهید و بعد در خوابگاه‌ها از ایشان دوری کنید و اگر تاثیر نکرد آنان را به ملایمت تنبیه کنید...» فمینیستهای اسلامی ای داریم که می‌گویند منظور فقط این است که مردان همسرانشان را با ترکه یا پر بزنند. برای حکام شرع (لااقل در بریتانیا که خشونت در خانه جرم محسوب می‌شود)، مادام که این زدن روی صورت و اندامهای تناسلی نباشد و اثری بر جا نگذارد، خشونت به حساب نمی‌آید. اما مسئله برسر این است که هیچ زنی نباید کتک بخورد. والسلام. بدون تردید نمیتوان حقوق و زندگی زنان را به امان قوانین مذهبی و انواع تعابیر و تفاسیر رها کرد.

دین امری شخصی است. اما وقتی موضوع برسر حضور دین در دولت و قانون و نظام آموزشی است، آنگاه بدل به امری مربوط

زنان نیازی به سکولاریسم ندارند. این موضوعگیری چند اشکال دارد. اولاً که قرآن و حدیث (بیانات و اعمال محمد، پیغمبر اسلام) که قوانین شریعت بر آنها استوار است پر از قوانین و مقررات ضد زن است (حتی اگر بخواهید که فقه اسلامی را کنار بگذارید). به عنوان مثال سنگسار به جرم زناي محصنه در حدیث هست اما کتک زدن زن در قرآن آمده است. در ثانی، غالبا وقتی که بحثی راجع به برخورداری زن از حقوق کامل درمیگیرید، باید پرسید که منظور از «حقوق» چیست. حتی اسلاميون خواهند گفت که زنان در حکومت آنها از حقوق کامل برخوردارند ولی این را از آن رو می‌گویند که برای آنها زنان و مردان برابر نیستند، بلکه مکمل یکدیگرند، و بدین وسیله تفاوت در «حقوق» را توجیه می‌کنند.

همچنین، اشکال تعبیر و تفسیر این است که مال شما هم فقط یک تفسیر در میان انبوه تفاسیر است. حتی اگر شما تعبیر «خوبی» داشته باشید، معمولا امام یا حاکم شرع واپس‌گرائی برای شما تصمیم می‌گیرد. اما مهمتر از همه این است که من می‌پرسم آیا یک تعبیر «خوب»

## امسال هم کنفرانس سازمان جهانی کار با فریاد "جمهوری اسلامی را اخراج کنید" افتتاح شد!



امروز ۵ ژوئن در اولین روز گشایش کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار هیأتی از طرف "کمیته همبستگی بین المللی کارگری- ایران" و حزب کمونیست کارگری ایران حضور یافتند و با شعار جمهوری اسلامی را از سازمان جهانی کار بیرون کنید، صدای اعتراض کارگران و مردم ایران را نمایندگی کردند.

پاسکال دکامپ عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران، فعال اتحادیه کارگران س ژ ت در فرانسه و فعال کمپین برای آزادی کارگران زندانی، یوران گوستاوسون از فعالین اتحادیه ال او در سوئد و عضو کمیته همبستگی بین المللی کارگری، مسعود کریمی، پدرام رضا زاده، ناصر کشکولی و جمیله میرکی از کادرهای حزب کمونیست کارگری

ایران اعضای این هیات بودند که با افتتاح کنفرانس شروع به شعار دادن علیه جمهوری اسلامی کردند. اعضای این هیات با بلند کردن پوسترهای بزرگی از کارگران زندانی و برافراشتن بنری که خواست اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار روی آن نوشته شده بود، شروع به شعار دادن علیه جمهوری اسلامی و برای آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی کردند و اعلامیه هائی را در میان حاضرین توزیع کردند. با این حرکت، کنفرانس به مدت چندین دقیقه روال عادی خود را از دست داد و هزاران نفر از حاضرین کنفرانس شروع به گرفتن عکس و فیلم از فعالین این حرکت و پوسترهای کارگران زندانی در ایران کردند. جمیله میرکی در صحبت خود خطاب به حاضرین

گفت که مزدوران خانه کارگر و نمایندگان جمهوری اسلامی که در این کنفرانس شرکت دارند قاتلین و سرکوب کنندگان کارگران و مردم ایران هستند و باید از سازمان جهانی کار اخراج شوند. این هفتمین سالی است که با شروع کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار، فعالین حزب کمونیست کارگری از پشت تریبون و یا از وسط سالن صدای اعتراض کارگران ایران را نمایندگی میکنند و کنفرانس را به محلی برای افشای جمهوری اسلامی و مزدوران خانه کارگرش تبدیل میکنند.

این بخشی از تلاش وسیعتر حزب کمونیست کارگری برای منزوی کردن جمهوری اسلامی و فشار به دولت ها و نهادهای بین المللی برای بایکوت سیاسی

جنایت علیه بشریت به محاکمه کشیده شوند.

جمهوری اسلامی و اخراج آن از کلیه نهادهای بین المللی است.

جمهوری اسلامی نباید بعنوان دولت ایران برسمیت شناخته شود، باید از کلیه نهادهای بین المللی اخراج شود، سفارتخانه هایش تعطیل شود و سران آن به جرم

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ ژوئن ۲۰۱۳

۱۵ خرداد ۱۳۹۲

## قطعه نامه کنگره اتحادیه سراسری کارگران شهرداری سوئد در حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران

است. اتحادیه کارگران شهرداری مبارزات کارگران و مردم ایران را برای آزادی و برای حق تشکل و اعتصاب بدور از هر گونه خطر دستگیری، شکنجه، اعدام و نیز مبارزه برای رفاه، برابری، عدالت و زندگی بهتر مورد حمایت قرار میدهد.

ایران زیر فشار شدید گرانی و بیکاری قرار دارد.

اتحادیه کارگران شهرداری سوئد همبستگی خود را با کارگران ایران و خواستهایشان اعلام میکند و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی

خود، با محکومیتی ۴ ساله، در زندان است.

به همین جرم بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال دفاع از حقوق کودک نیز که بعد از کارزاری جهانی به او مرخصی داده شد تا کنار فرزند بیماراش که به بیماری سرطان مبتلاست، باشد، اکنون باید به زندان باز گردد.

دیگر کارگران زندانی نیز در آستانه "انتخابات ریاست جمهوری" به همین صورت زیر فشار و تهدید قرار دارند. علت همه اینها نیز نگرانی حکومت ایران از گسترش اعتراضات کارگری است. طبقه کارگر در

۴ ژوئن ۲۰۱۳

\*\*\*

قطعه نامه کارگران اتحادیه سراسری کارگران شهرداری سوئد در حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران

رضا شهابی عضو هیات رئیسه سندیکای کارگران شرکت واحد بعد از يك مرخصی کوتاه برای معالجه به زندان اوین بازگردانده شد. رضا شهابی از بعد از اعتصاب بزرگ کارگران شرکت واحد در سال ۲۰۰۷ (۸۴) چندین بار دستگیر و مورد آزار و شکنجه قرار گرفته است. او هم اکنون به جرم "تبلیغات علیه حکومت"، یعنی تلاش برای ایجاد تشکل

اتحادیه سراسری کارگران شهرداری سوئد با ۵۵۰ هزار عضو، در کنگره خود در ۳۱ مه ۲۰۱۳ در استکهلم، قطعه نامه‌ای در حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی، و نیز در حمایت از مبارزات کارگران و مردم ایران به تصویب رسانده است. متن این قطعه نامه را در زیر میخوانید. لینک نسخه انگلیسی قطعه نامه نیز ضمیمه است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Shah-la\_daneshfar@yahoo.com  
Bah-ram.Soroush@gmail.com  
http://free-them-now.blogspot.com

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

## سکولاریسم حق من است و آزادی فرهنگ من

از صفحه ۱۲

بود که دیگر اسلاميون نیازی به تحمیل قوانین خود با چنان وحشیگری تمام عیاری نداشتند! همین واقعیت که آنها باید خیابانها را کنترل کنند و مردم را به خاطر نحوه لباس پوشیدنشان و طرز فکرشان دستگیر و جریمه کنند به اندازه کافی گواه آن است که حکومتشان تحمیلی است. صد البته ممکن است کسانی باشند که قوانین شریعت را بر قوانین سکولار ترجیح دهند، همانطور که ممکن است کسانی باشند که ترجیح بدهند برده داری و یا تبعیض نژادی دوباره باب شود، اما چنین چیزی ربطی به موضوع ندارد. قوانین شریعت ظالمانه و حکومتهای اسلامی ستمگرند. در آنها «حقی» وجود ندارد تا پایمال شود.

دوستان پست مدرنیست اسلامی به ما خواهند گفت که مطالبات ما غربی ست. از کی تا به حال سکولاریسم، حقوق، آزادیها، برابری «غربی» اند؟ اسلاميون از جدیدترین دستاوردهای تکنولوژی برای پیشبرد وحشیگری خود استفاده می کنند (و همین جماعت در صف مقدم مطالبه حق برخورداری رژیم اسلامی ایران از تکنولوژی هسته ای قرار دارند) اما تا می رسیم به حقوق زنان و سکولاریسم، اینها «غربی» و «نامأنوس» می شوند؟

ولو آنکه حقوق غربی باشد (که نیست)، جنبشهای اجتماعی مترقی و طبقه کارگر برای آن مبارزه کرده اند و از این رو به تمام بشر تعلق دارد. به قول مبارزان حقوق زن، که در مخالفت با حجاب اجباری در

سال ۱۳۶۰ در خیابانهای تهران شعار می دادند: «نه غربی، نه شرقی، حقوق زن جهانی است» و «فرهنگ ما آزادی است». در این دوره جدید که پس از سالها وحشیگری و تروریسم و میلیتاریسم شروع شده، سرانجام وقت درخشیدن ما رسیده است؛ اکنون مائیم که باید دست به حمله بزنیم.

میل مفرط اسلاميون به کنترل کردن و آماج حمله قرار دادن زنان و دهها سال مقاومت در برابر آن همراه با دوره نوینی از انقلابات به معنی آن است که جنبش آزادی زن به جایی رسیده که اسلامیسیم را به زانو درآورد. هرچند که با ختم اسلامیسیم زنستیزی پایان نخواهد گرفت، اما هنگامی که به حیات یکی از حامیان اصلی زنکشی خاتمه داده شود وضع زنان در سراسر جهان به نحو چشمگیری بهبود خواهد یافت.

بدیهی ست که نتیجه هیچ مبارزه ای از پیش مشخص نیست بلکه کاملاً به اراده و مداخله انسان بستگی دارد. مسئله این است که در این مبارزه نهایی هر يك از ما کجا خواهد ایستاد. همانگونه که منصور حکمت، مارکسیست فقید، گفته است: «ما بر فراز جهان ننشسته ایم و داور این دنیا نیستیم. بازیگران و شرکت کنندگان در آن هستیم. هر يك گوشه ای از این جدال تاریخی-جهانی هستیم که به نظر من از آغاز تا امروز برسر آزادی و برابری انسانها در جریان بوده است...» (منصور حکمت، اسلام و اسلام زدایی، ژانویه ۱۹۹۹)

## اعتصاب کارگران کوره پزخانه های ساروقامیش با موفقیت به پایان رسید

دستمزدها بود. تنها با قدرت اتحاد و همبستگی است که می توان حقوق چپاول شده را از حلقوم کارفرمایان و استثمار کننده گان بیرون کشید.

این اعتصاب در عین حال راه را برای کارگران سایر کوره خانه ها باز کرد. حزب کمونیست کارگری کارگران کلیه کوره خانه ها را به مبارزه متحدانه برای افزایش دستمزد فرامیخواند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ خرداد ۹۲، ۶ ژوئن ۲۰۱۳

آنها پیروزی بزرگی برای خود دانسته و به اعتصاب پایان دادند. کارگران اعلام کرده اند که این پایان کار نیست و در آینده بر سر افزایش دستمزدهای بیشتر دست به اعتصابات دیگری خواهند زد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری اعتصاب پیروزمندانه کارگران کوره های ساروقامیش را به همه کارگران و خانواده های آنان تبریک می گوید. اتحاد و همبستگی کارگران در این اعتصاب کلید موفقیت برای رسیدن به خواست افزایش

در اطلاعیه قبلی کمیته کردستان حزب به اطلاع رسانیم که کارگران کوره پزخانه های ساروقامیش برای افزایش ۵۰ درصد دستمزد دست به اعتصاب زدند. پیشتر کارگران در ازای پخت هر ۱۰۰۰ آجر ۵۰۰۰ تومان دریافت می کردند و خواست کارگران اعتصابی برای افزایش دستمزد برای پخت هر ۱۰۰۰ آجر ۱۰۰۰۰ تومان بود. کارفرمایان برای پخت هر ۱۰۰۰ آجر تن به پرداخت ۹۰۰۰ تومان دادند و کارگران علیرغم عدم رضایت برای این افزایش دستمزد

## فعالیت های کمیته همبستگی بین المللی کارگری در استرالیا

از صفحه ۸

انترناسیونال: در پاسخ به فراخوان سراسری ۲۰ ژوئن چه برنامه ای دارید؟

ارسال ناظری: ما در چه در ظرف کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران و چه در ظرف کمیته آزادی کارگران زندانی و چه در ظرف کمپین همبستگی با مردم ایران تا کنون مشغول کار و فعالیت برای مردم ایران و بر علیه جمهوری اسلامی در سیدنی بوده ایم و خواهیم بود. در حال حاضر در پاسخ به فراخوان سراسری ۲۰ ژوئن برای حمایت از زندانیان سیاسی در نظر داریم تا در یکی از محلات اینجا يك ميز اطلاع رسانی برگزار نمائیم، در عین حالیکه برای محکومیت جمهوری اسلامی در روز مضحکه انتخابات هم در يك نقطه شهر فراخوان گردهمایی را دهیم.\*

کشتیرانی و اتحادیه کارگران ساختمانی این خواست را که آن دو اتحادیه مزبور این ابتکار عمل را در دست بگیرند و آنان این مصوبه محکومیت جمهوری اسلامی را به تصویب برسانند و بعد برای جلب حمایت و تصویب به اتحادیه های دیگر نیز ارسال شود. با تصویب مصوبه اخیر اتحادیه کارگران موتناژ کارمان برای جلب و تشویق اتحادیه های دیگر به مراتب آسانتر شده است و حالا در يك جو و فضای آماده تری تا حصول به نتیجه پیگیر این کارهستیم و خواهیم بود. باید برای جلب حمایت و نظر دیگر سازمان های کارگری و احزاب سیاسی هم کار و تلاش کنیم که آن هم فکر می کنیم در این روند و جو موجود عملی تر است و کار تبلیغی در این زمینه و ارتباط گیری ها بوسیله ما را می طلبد.

حالی که که ابتکارات و پیشنهادات خودمان را ارائه می دهیم و پیگیرانه این ملاقات را عملی می نمایم چرا اینکه هم از نظر اجرای مصوبات این اتحادیه حائز اهمیت است و هم اینکه اگر بتوانیم در متقاعد نمودن و همزمانی اقدامی مشابه بوسیله اتحادیه های دیگر مورد اهمیت قرار دارد.

انترناسیونال: چه برنامه ها و چه فعالیت هایی را در دستور کار خود دارید؟

ارسال ناظری: ما مدتی است که در فکر تصویب مصوبه ای جمعی در محکومیت جمهوری بوسیله اتحادیه های استان نیو سات ولس هستیم و برای همین منظور در جلسات اخیرمان و قبل از این مصوبه اتحادیه کارگران موتناژ با اتحادیه

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!



## کانال جدید ۲۴ ساعته میشود

کانال جدید بزودی برنامه های ۲۴ ساعته خود را از کانال "نگاه شما" در شبکه هاتبرد شروع میکند.

برنامه های آزمایشی ما از روز ۹ خرداد (۳۰ مه) از این کانال پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

FEC: ۳/۴

این مشخصات را به دوستان و آشنایانتان اطلاع دهید.

یادآوری میکنیم که برنامه های کانال جدید در شبکه کورد کانال همچنان تا روز ۳۰ خرداد امسال (۲۰ ژوئن) ادامه خواهد داشت.

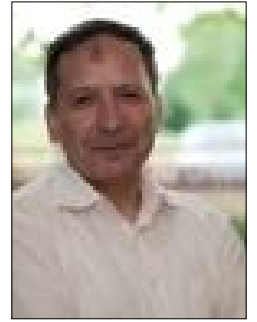
### کانال جدید

۷ خرداد ۱۳۹۲، ۲۸ مه ۲۰۱۳

## اعتراضات مردمی در ترکیه!



## "انتخابات" و آن هراس دائمی



بهروز مهرآبادی

مضحکه انتخابات همچنان ادامه دارد. مناظره می گذارند و رسانه هایشان را از تصاویر و اوصاف ۸ کاندیدای برگزیده شورای نگهبان پر میکنند. اوباش تا دندان مسلح رژیم در هر میدان و خیابانی ایستاده و یا در خم هر کوچه ای کمین کرده اند و از آنطرف زیاله دانی ها پر شده از اوراق و پوسته های تبلیغاتی این کاندیدها که مردم از در و دیوارها کنده اند... هراس خود را از مردم نمی توانند پنهان کنند. چندین روز پیاپی را تعطیل عمومی اعلام می کنند تا بهانه به خیابان آمدن را از مردم بگیرند.

بقول حمید تقوایی وزوز خرمگس احمدی نژاد با تهدید مگس کش رهبر ساکت شد. رفسنجانی تنها امید سرمایه داران خارج قدرت از بازی اخراج گردید و امید اصلاح طلبان نظام رضا پهلوی و مسعود رجوی به

باد رفت. قدرت ولی فقیه و بنیادهای نظام شکننده تر از آن است که بتواند حضور رفسنجانی یار و همراه دیرین نظام را بعنوان رقیب تحمل کند و یا دلقک خود ساخته اش احمدی نژاد را مطیع نگاه دارد. ولی کنار گذاشته شدن باند رفسنجانی و احمدی نژاد به معنی یک دست شدن نظام نیست، شکافها بیشتر شده است، گله های مختلف این جانوران در کمین یکدیگر نشسته و منتظر فرصت هستند تا گلولی طرف مقابل را پاره کنند.

قادر نیستند که نمایش "انتخاباتشان" را جدی و واقعی برگزار کنند. حتی جرئت تظاهر به برگزاری مناظره هم ندارند. مردم حتی در مقابل دوربین تلویزیون آنها را دست می اندازند و مسابقه ماستخوری را بجای دور دوم مناظره پیشنهاد می کنند. "کاندیدها" ها حرفی برای گفتن ندارند. همه با هم سمفونی چندش آور همیشگی را تکرار می کنند، بیشتر از جلب مردم به مساجد، برقراری قسط اسلامی، تحکیم قوانین ضد زن و ضد کودک و اجرای فرامین امام پیزی در چنجه و در ذهن کثیفشان نمی گذرد. می دانند که حرفهایشان برای مردم مهوع است. ناچارند به فقر و فلاکت روز افزون مردم، به فساد گسترده حکومت و به اختناق و سرکوب همیشگی اعتراف کنند.

می گویند که باور مردم به نظام ضعیف شده، از بی اعتنائی مردم به قوانین اسلامی و مسجد و ماه محرم می گویند. شیخ انقلاب را می بینند و وحشتزده زوزه می کشند که "نظام در خطر است". درست تشخیص داده اند، خطر واقعی است. شورش گرسنگان هر لحظه می تواند بساطشان را بهم بریزد. رژیم می که در بحرانی ترین روزهایش نتواند از عهده تامین نان مردم برآید، باید در وحشت باشد، این هراس دائمی شده است.

انواع و اقسام نیروهای سرکوب را بسیج می کنند، مکالمات تلفنی را تحت کنترل میگیرند، روی شبکه های تلویزیونی ماهواره ای پارازیت می فرستند و ارتباطات اینترنتی را تا آخرین حد ممکن، محدود می کنند. اما اینها هیچکدام مانع از همبستگی و همدلی مردم در مقابل نظام نکبت اسلامی نیست و هیچکدام از اراده و عزم مردم برای سرنگونی حکومت ۳۴ سال جنایت و غارت کم نمی کند. مردم منتظر بدست آوردن فرصت و رسیدن لحظه مناسبی هستند که حکومت جلادان و غارتگران را سرنگون کرده و خود را نجات دهند. این شبی است که سایه آن هر روز بر سر جمهوری اسلامی سنگین تر میشود.

### شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است.  
http://www.countmein-iran.com

#### سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

#### آلمان:

Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

#### کانادا:

Canada, ICRC, Scotiabank  
4900 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1  
Account #: 84392 00269 13

#### هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

#### آمریکا:

Bank of America  
277 G Street, Blaine, Wa 98230  
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush  
Account number : 99 - 41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس  
و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23, account holder: WPI  
branch: Wood Green, Bank: NatWest  
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779  
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:  
از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱  
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶  
از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

### انترناسیونال

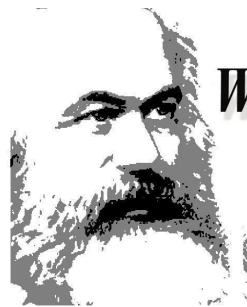
### نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



WE STILL NEED **MARX**  
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran  
www.wpiran.org

کمک مالی به کانال جدید  
سارا نخعی و هرمز رها ۶۰۰۰ کرون سوئد